

۱- پاسخ: گزینه ۴

▲ مشخصات سؤال: متوسط \* جغرافیا ۲ (درس ۱)

ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و بر اساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوه کار او صورت می‌گیرد. انتخاب معیارها و ملاک‌ها برای تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافی‌دان بستگی دارد؛ پس هدف مطالعه جغرافی‌دان، بر انتخاب معیارها و ملاک‌های او برای تعیین حدود یک ناحیه تأثیر می‌گذارد.

۲- پاسخ: گزینه ۳

▲ مشخصات سؤال: متوسط \* جغرافیا ۲ (درس ۱)

خاک چرنوزیوم، خاک حاصلخیز غنی از مواد آلی و ریشه علفزارها است که در قسمت جنوب کشور کانادا به‌طور غالب یافت می‌شود.

۳- پاسخ: گزینه ۳

▲ مشخصات سؤال: دشوار \* جغرافیا ۲ (درس ۲)

اشاره هریک از عبارتها به ترتیب به موارد زیر است:

الف) یک تونل برای عبور قطار در ناحیه‌ای کوهستانی و برف‌گیر در کشور سوئیس احداث شد؛ نواحی به فعالیت انسان‌ها شکل می‌دهند.  
ب) کشورهای عضو اتحادیه اروپا روزانه بیش از یک میلیون دلار برای واردات انرژی نفت و گاز هزینه می‌کنند؛ نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

۴- پاسخ: گزینه ۴

▲ مشخصات سؤال: متوسط \* جغرافیا ۲ (درس ۲)

هر مکان در روی زمین ویژگی‌هایی دارد. همچنین میان اجزا و پدیده‌های هر مکان، نوعی پیوستگی و هماهنگی وجود دارد که آن مکان را از سایر مکان‌ها متفاوت می‌سازد که در تصویر با توجه به بیابانی بودن ناحیه و گرمای آن، سقف به‌شکل دایره‌ای بنا شده و به‌دلیل نبود پوشش گیاهی مناسب، دیواره‌هایی برای جلوگیری از نفوذ خاک ساخته شده است.  
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) در مناطق پر باران، سقف شیروانی و پوشش گیاهی غنی است که تصویر این موارد را نشان نمی‌دهد.

۲) در تصویر فقط یک ناحیه دیده می‌شود و تمایزی با منطقه پیرامون خود ندارد.

۳) در این ناحیه به‌علت کمبود بارش و نبود پوشش گیاهی مناسب، زراعت و یا باغداری در حد مطلوبی شکل نگرفته است.

کدام موارد دربارهٔ «ناحیه‌بندی» درست است؟

- الف) عبارت است از تقسیم یک محیط جغرافیایی به واحدهای کوچک‌تر. به طوری که میان آن‌ها همگونی نسبی وجود داشته باشد.  
 ب) هدف از ناحیه‌بندی، شناخت بهتر و آسان‌تر مکان‌های مختلف و علمی کردن مطالعات و تحقیقات دربارهٔ این مکان‌هاست.  
 ج) انتخاب معیار و ملاک درست و مناسب برای ناحیه‌بندی، به عوامل طبیعی و انسانی موجود در مکان‌ها بستگی دارد.  
 د) ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و براساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوهٔ کار او صورت می‌گیرد.

- (۱) «الف» - «ج»  
 (۲) «ج» - «ب»  
 (۳) «ب» - «د»  
 (۴) «د» - «الف»

### پاسخ: گزینهٔ ۱

(پژرفیای یازدهم - درس ۱ - ناحیه‌بندی)

**نکته** «ناحیه» بخشی از سطح زمین است که ویژگی‌های جغرافیایی (طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) همگون و خاصی دارد، به طوری که با بخش‌های مجاور خود متفاوت است.

**پاسخ تشریحی** جغرافی‌دان‌ها از گذشته سطح زمین را به واحدهای جغرافیایی تقسیم کرده و سپس مورد مطالعه قرار داده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها برای شناخت بهتر و آسان‌تر مکان‌های مختلف و علمی کردن مطالعات و تحقیقات دربارهٔ این مکان‌ها صورت می‌گیرد (درستی عبارت «ب») تا بتوان برای آن‌ها به طور صحیح برنامه‌ریزی کرد. ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و براساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوهٔ کار او صورت می‌گیرد (درستی عبارت «د»).  
 بررسی عبارت‌های نادرست:

«الف»: در ناحیه‌بندی، یک محیط جغرافیایی براساس معیارهایی به واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌شود؛ به طوری که هر واحد با واحدهای مجاور خود تفاوت داشته باشد، نه این‌که بین واحدها همگونی نسبی وجود داشته باشد.  
 «ج»: انتخاب معیارها و ملاک‌ها برای تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافی‌دان بستگی دارد. این معیارها ممکن است عوامل طبیعی یا عوامل انسانی باشند.

**دام تستی** اگر به این نکته توجه نداشته باشی که همگونی نسبی، بین پدیده‌های یک ناحیه وجود دارد، نه بین نواحی مختلف (یعنی امری درون‌ناحیه‌ای است، نه میان‌ناحیه‌ای)، ممکنه توی دام ۲ بیفتی.

از مطابقت دادن نواحی بارشی ایران بر ویژگی‌های کانون و مرزهای ناحیه، کدام نتایج حاصل می‌شود؟

- الف) با حرکت از ناحیهٔ خزر غربی به ناحیهٔ خزر شرقی، از میزان بارش کاسته می‌شود.  
 ب) با حرکت از ناحیهٔ کردستان به ناحیهٔ زاگرس، بر تراکم و قد گیاهان افزوده می‌شود.  
 ج) با حرکت از ناحیهٔ خراسان شمالی به ناحیهٔ داخلی، تغییری در میزان بارش مشاهده نمی‌شود.  
 د) با حرکت از ناحیهٔ خزر غربی به ناحیهٔ آذربایجان، از میزان بارش و تراکم پوشش گیاهی کاسته می‌شود.

- (۱) «ب» - «ج»  
 (۲) «الف» - «د»  
 (۳) «ج» - «الف»  
 (۴) «د» - «ب»

### پاسخ: گزینهٔ ۱

(پژرفیای یازدهم - درس ۱ - معیارهای مربوط به عوامل طبیعی ناحیه‌بندی / درس ۲ - کانون و مرزهای ناحیه)

**مشاوره** در متن ابتدایی کتاب درسی، گفته شده که طرح سؤال از «زیر نویس» عکس‌ها و نقشه‌ها ممنوعه؛ یعنی طرح سؤال از «محتوای» نقشه‌ها هیچ ممنوعیتی ندارد، مخصوصاً وقتی خود کتاب درسی گفته باشد «به نقشه‌ها و تصاویر دقت کنید» (مثل صفحه ۵ کتاب درسی جغرافیای یازدهم). پس حواست حسابی به نقشه‌های کتاب درسی باشه. نگفتی!

**درس نامه** جغرافی‌دانان براساس ترکیب «ویژگی‌های عمدهٔ بارش» از قبیل (۱) میانگین بارندگی سالانه، (۲) توزیع فصلی بارش و (۳) بالاترین میزان بارش روزانه، ایران را به شش ناحیهٔ بارشی تقسیم کرده‌اند.

نواحی بارشی ایران، به ترتیب از پر بارش‌ترین به کم بارش‌ترین عبارت‌اند از:

خزر غربی ← خزر شرقی ← کردستان ← آذربایجان و زاگرس ← خراسان شمالی ← ناحیهٔ داخلی

**نکته** هر چه از میزان بارش کاسته شود، پوشش گیاهی نئک‌تر و قد گیاهان کوتاه‌تر می‌شود.

**پاسخ تشریحی** ناحیه خزر غربی پربارش تر از ناحیه خزر شرقی است؛ بنابراین، با حرکت از ناحیه خزر غربی به ناحیه خزر شرقی، از میزان بارش کاسته می‌شود. (درستی عبارت «الف»)  
ناحیه خزر غربی پربارش تر از ناحیه آذربایجان و زاگرس است؛ بنابراین، با حرکت از ناحیه خزر غربی به ناحیه آذربایجان، از میزان بارش و تراکم پوشش گیاهی کاسته می‌شود. (درستی عبارت «د»)  
بررسی عبارت‌های نادرست:  
«ب»: ناحیه کردستان پربارش تر از ناحیه آذربایجان و زاگرس است؛ بنابراین، با حرکت از ناحیه کردستان به ناحیه زاگرس، از تراکم و قد گیاهان «کاسته» می‌شود.  
«ج»: ناحیه خراسان شمالی پربارش تر از ناحیه داخلی است؛ بنابراین، با حرکت از ناحیه خراسان شمالی به ناحیه داخلی، از میزان بارش «کاسته» می‌شود.

## گزینه «۲»

(کنکور طرح از کشور ۱۴۰۰)

هر مکان در روی زمین ویژگی‌هایی دارد و میان اجزا و پدیده‌های آن ارتباط وجود دارد و نوع فعالیت و شیوه زندگی با محیط طبیعی در ارتباط است.

### تشریح گزینه‌های نادرست:

از ویژگی‌های ناحیه این است که میان هر واحد با واحد مجاور تفاوت وجود دارد.

ویژگی اصلی هر ناحیه، وحدت و همگونی نسبی میان عناصر طبیعی و انسانی است و تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافیدان بستگی دارد.

(پهراغیا (۲)، نامه بیست، ص ۳)

## گزینه «۴»

(فاطمه سلیمی)

ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و براساس طرز تفکر یک جغرافی‌دان و شیوه کار او صورت می‌گیرد. انتخاب معیارها و ملاک‌ها برای تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافی‌دان بستگی دارد. این معیارها ممکن است عوامل طبیعی یا عوامل انسانی باشد.

(پهراغیا (۲)، نامه بیست، ص ۵)

## گزینه «۲»

(زعرا رامیار)

انسان‌ها با پیشرفت در دانش و تولید ابزار و فناوری بر محیط‌های طبیعی غلبه کرده و این محیط‌ها را در اختیار گرفته‌اند. محدودیت‌ها و موانع طبیعی موجب می‌شود انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن چاره‌اندیشی کنند و به ابداع ابزارهایی بپردازند. در واقع، هر ناحیه شرایط خاصی را به انسان‌ها ارائه می‌کند و انسان‌ها در چارچوب آن شرایط دست به عمل می‌زنند.

(پهراغیا (۲)، نامه بیست، ص ۱۱ تا ۱۴)

- الف) در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد و تولیدکنندگان بازار فروش خود را از دست می‌دهند؛ در نتیجه کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار می‌شوند.
- ب) آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.
- ج) بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.
- د) بحران‌های اقتصادی در ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شدند و از عوامل داخلی آن‌ها اثر می‌پذیرفتند، ولی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، این بحران‌ها که منطقه‌ای بودند، به سرعت آثار و پیامدهای خود را در سطح جهان آشکار ساختند.

- علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست ← پیامد ← در نیمه دوم قرن بیستم روشن شد که علم تجربی دارای مبانی غیر تجربی است.
- جامعه‌شناسان قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند ← علت ← القای این باور به نخبگان جوامع غیر غربی که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌ها است.
- بسنده کردن فرهنگ غرب به شناخت از راه عقل و تجربه در دوران رنسانس ← نتیجه ← نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی

- سکولاریسم در فرهنگ مدرن غرب، به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر شد.
- گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی پیامدهای مختلفی داشت که از انواع آن می‌توان به ظهور ادیان و عرفان‌های شرقی اشاره کرد.
- فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم منجر به مرگ آرمان‌ها و امیدها شد.

(آزیتا بیدرقی)

تشریح عبارت نادرست:

جامعه جهانی قبل از ظهور غرب جدید به صورت امروزه نبوده است، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۶)

(ریحانه امینی)

تشریح گزینه نادرست:

رشد تجارت و برده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست افریقایی به مزارع امریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی، موجب شد که بازرگانان نسبت به زمین‌داران جایگاه برتری پیدا کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۸)



**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه ۱: غلط (قدرت‌های استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را برای دیگر فرهنگ‌ها به‌وجود آوردند). - غلط (هویت مناطق درون امپراتوری عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی‌های قومی، نژادی و تاریخی آن‌ها ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می‌شد).

گزینه ۲: صحیح - صحیح

گزینه ۳: غلط (در هویت‌سازی‌های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش‌های باستان‌شناسان برجسته می‌شود و اسلام به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش به فراموشی سپرده می‌شود). - صحیح

گزینه ۴: صحیح - غلط (همزمان با فروپاشی عثمانی، کشورهای جدید تأسیس شدند).

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۶۷)

با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

«إِتَاك و التَّدخُل فِي نِظَام البِيئَةِ الَّتِي تَعِيش فِيهَا عِيشًا، رَبِّ إِنْسَانٍ فِي نِشَاطَاتِهِ المَخْرَبَةِ يُؤَدِّي إِلَى اِخْتِلَالٍ قَدْ لَا يُمْكِن تَعْوِيزُهُ بِسَهُولَةٍ!»:

- ۱) بهره‌یز از دخالت کردن در محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنی، چه بسا انسان در فعالیت‌های خراب‌کننده‌اش به اختلالی منجر شود که قطعاً جبران آن به آسانی ممکن نیست!
- ۲) از دخالت در نظام محیط زیست خود که در آن قطعاً زندگی می‌کنی بهره‌یز کن، چه بسا انسانی که در فعالیت ویرانگرش سبب اختلالی شود و نتوان آن را به آسانی جبران کرد!
- ۳) از دخالت کردن در نظام محیط زیستی که در آن بی‌شک زندگی می‌کنی برحذر باش، چه بسا انسانی که در فعالیت‌های ویرانگرش منجر به اختلالی شود که گاهی جبران آن به آسانی امکان ندارد!
- ۴) برحذر باش از دخالت نکردن در محیط زیستی که در آن بی‌گمان زندگی کرده‌ای، چرا که انسان در فعالیت‌های خود که مخرب هستند منجر به اختلالی می‌شود که قطعاً جبران آن به راحتی امکان ندارد!

(متوسط - ترکیبی - ترجمه)

پاسخ: گزینه ۳

### بررسی گزینه‌ها:

البیئة: محیط زیست ← رد گزینه ۲ (ضمیر «خود» اضافی است)

تعیش ... عیشاً: بی‌شک زندگی می‌کنی ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

تدخل: دخالت کردن ← رد گزینه ۴

### یادآوری:

مفعول مطلق، مصدری است از جنس فعل جمله که ۲ نوع دارد:

الف) تأکیدی: عیش ... عیشاً (که در ترجمه باید از قیدهای تأکید قبل از فعل جمله استفاده کنیم: قطعاً، بدون شک زندگی می‌کند.)

ب) نوعی: عیش ... عیشاً جمیلاً: به زیبایی زندگی می‌کند / عیش ... عیش الفقراء: مانند فقیران زندگی می‌کند. (که بعد از آن صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.)

رَبِّ: چه بسا ← رد گزینه ۴

نشاطاته المخرَبة: فعالیت‌های ویرانگرش ← رد گزینه‌های ۲ و ۴ (ترکیب وصفی - اضافی است)

قَدْ لَا يُمْكِن (قد بر سر مضارع آمده و معنای گله‌ی عیش‌شاید می‌دهد): گاهی امکان ندارد، شاید امکان ندارد ← رد سایر گزینه‌ها

«إِنْ يَكُنْ شَخْصًا مَعُوَّقًا بَيْنَمَا وَهُوَ لَا يَعْرِفُ القِرَاءَةَ وَ الكِتَابَةَ فَلنَشَجَعُهُ حَتَّى يَتَعَلَّمَ حُرُوفَ الهِجَاءِ فِیرَى نَتِیجَةُ جِهْدِهِ!»:

- ۱) اگر شخص معلولی بین ما باشد در حالی که خواندن و نوشتن نمی‌داند باید او را تشویق کنیم تا حروف الفبا را یاد بگیرد و نتیجه کوشش خود را می‌بیند!
- ۲) چنانچه فرد معلولی میانمان بود در حالی که خواندن و نوشتن نمی‌دانست باید او را تشویق کنیم تا حروف الفبا را بیاموزد و نتیجه کوشش خود را ببیند!
- ۳) اگر شخص معلول بین ما باشد حال آن‌که خواندن و نوشتن بلد نمی‌باشد، پس اینکه او را تشویق کنیم تا حروف الفبا را به او یاد دهیم قطعاً نتیجه سعی خود را می‌بیند!
- ۴) چنانچه که فرد معلولی میان ما باشد و خواندن و نوشتن نداند باید او را تشویق کرده تا حروف الفبا بیاموزد و نتیجه سعی خود را خواهد دید!

(متوسط - ترکیبی - ترجمه)

پاسخ: گزینه ۱

### بررسی گزینه‌ها:

يَكُنْ: باشد ← رد گزینه ۲



**توجه:** «يَكُونُ» شکل مجزوم شده «يَكُونُ» (مضارع) است، پس نمی‌توان در ترجمه، آن را به صورت ماضی آورد.

و هُوَ لَا يَعْرِفُ: در حالی که نمی‌داند (جملهٔ حالیه) ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

لنَشَجَعَهُ (لام امر): باید او را تشویق کرده/کنیم ← رد گزینه ۳



فعل «تشویق کرده» در عبارت «باید او را تشویق کرده»، معادل «تشویق کنیم» و «مضارع» است؛ پس آن را با فعل «ماضی» اشتباه نگیرید. (حواست باشه این موضوع توی تست‌های ترجمهٔ کنکور و اتفاقاً در گزینهٔ «درست» مطرح‌شده؛ پس خوبه که بدونی)

یتعلّم: یاد بگیرد ← رد گزینه ۳

یری: می‌بیند ← رد گزینه ۲ و ۴

### گروه آموزشی ماز

۱۹

«لَا يَتْرِكُ الصَّدِيقَ سَبَبَ زَلَّةٍ أَوْ عَيْبٍ فِيهِ لِأَنَّهُ لَا يُوْجِدُ أَحَدًا كَامِلًا إِلَّا اللَّهَ!»:

۱) دوست را به دلیل لغزش یا عیبی در آن رها نمی‌کند، زیرا احدی کامل نیست مگر خداوند!

۲) دوست به خاطر یک لغزش یا عیبی در آن رها نمی‌شود، چرا که شخص کاملی یافت نمی‌شود به‌جز خداوند!

۳) دوست به دلیل لغزش و عیبش ترک نمی‌شود چرا که انسان کاملی را جز خدا نمی‌یابی!

۴) دوست به خاطر لغزش و عیب‌هایی که در اوست رها نمی‌شود، زیرا تنها خداوند است که کامل بوده!

پاسخ: گزینه ۲ (آسان - خط به خط - ترجمه)

### بررسی گزینه‌ها:

لَا يَتْرِكُ: رها نمی‌شود، ترک نمی‌شود (مجهول است) ← رد گزینه ۱

عیب (مفرد است و ضمیر ندارد): عیب ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

لا يوجد: یافت نمی‌شود ← رد سایر گزینه‌ها

۲۰

«أَكْرَمَ النَّاسِ مَنْ يَفْزَحُ عَنِ الْمَكْرُوبِ وَيَحْمِي عِزَّهُ وَجِرَانَهُ وَيَحَاوِلُ لِنَشْرِ السَّلَامِ فِي الْمَجْتَمَعِ مَحَاوَلَةً حَسَنَةً!»:

۱) گرمی‌ترین مردم آن است که اندوه غمگین را می‌زداید و از آبروی همسایگانش حمایت می‌کند و به خوبی تلاش می‌کند تا صلح را در جامعه گسترش دهد!

۲) گرمی‌ترین مردم کسی است که اندوه غمگین را می‌زداید و از آبروی همسایه‌های خویش پشتیبانی می‌کند و کوشش می‌کند تا صلح در جامعه به خوبی گسترش یابد!

۳) مردمی را گرمی می‌دارم که غم اندوهگین را از بین ببرد و از حیثیت همسایه‌هایش حمایت کند و قطعاً تلاش می‌کند تا آشتی را در جامعه نشر دهد!

۴) گرمی‌ترین مردم است آن که غم غمگین را می‌زداید و از آبروی همسایه‌های خود پشتیبانی می‌کند و سعی می‌کند تا آشتی را در جامعه خود به خوبی نشر دهد!

پاسخ: گزینه ۱ (آسان - ترکیبی - ترجمه)

### بررسی گزینه‌ها:

أكرم (اسم تفضیل است): گرمی‌ترین ← رد گزینه ۳

يُحَاوِلُ ... مَحَاوَلَةً حَسَنَةً (مفعول مطلق نوعی): به خوبی تلاش می‌کند ← رد سایر گزینه‌ها

ينشر (فعل متعدی است): گسترش دهد، نشر دهد ← رد گزینه ۲

### گروه آموزشی ماز

۲۱

عَيْنُ الْخَطَا:

۱) المؤمن الحقیقی من یکتفی من دنیاہ بظمیرہ و من طعمہ بقرصیہ اکتفاء: مؤمن واقعی آن است که از دنیاپش به دو جامهٔ کهنه و از خوراکش به دو قرص نان قطعاً اکتفا می‌کند!

۲) کن متفانلاً لتأني الحياة بنعم لك لا تتصورها: خوش‌بین باش تا زندگی برایت نعمت‌هایی را بیاورد که تصورش را نمی‌کنی!

۳) هذه العالمة ألفت ثمانية عشر كتاباً تُرجم إلى خمسين لغة: این دانشمندی است که هجده کتاب را تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه می‌شود!

۴) كنت أفكر في نفسي هل يمكنني أن أصبح أستاذ الجامعة عن قريب: با خودم فکر می‌کردم آیا برایم ممکن است که به زودی استاد دانشگاه شوم!

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - ترکیبی - ترجمه)

### پاسخ تشریحی:

پس از «هذه» اسم «ال دار» آمده که باید به صورت یک ترکیب ترجمه شود، نه جمله.

ضمن اینکه فعل «تُرجم» که ماضی است به اشتباه مضارع ترجمه شده:

«این دانشمند هجده کتاب را تألیف کرد که به پنجاه زبان ترجمه شده است.»

«حیوان درنده از لانه شکارش بسیار دور می‌شود»:

- (۲) ابتعد حیوان مفترس عن عش صیده کثیراً!  
(۴) الحيوان المفترس قد يبتعد عن عش صيد ابتعاداً كثيراً!

- (۱) يبتعد الحيوان المفترس من العش لفریسته ابتعاداً!  
(۳) الحيوان المفترس يبتعد عن عش فریسته ابتعاداً كثيراً!

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - ترکیبی - تعریب)

### بررسی گزینه‌ها:

حیوان درنده (ترکیب وصفی معرفه است): الحيوان المفترس ← رد گزینه ۲  
لانه شکارش: عش فریسته، عش صیده ← رد گزینه‌های ۱ و ۴  
بسیار دور می‌شود (به صورت مفعول مطلق نوعی ترجمه می‌شود): يبتعد ... ابتعاداً کثیراً ← رد سایر گزینه‌ها

### سوره سوری

عین عبارة فيها مفعول مطلق:

- (۲) صدق کلام صدیق الذي يكون صدوقاً لأنه یحب أن یفعلک!  
(۴) إن تُثمر شجرة علمک إثمارةً یفعل الآخرون فهذا خیر علم!

- (۱) مَنْ عَلَّمَ علماً فله أجرٌ من عمل به لا ینقص من أجر العامل!  
(۳) عالمٌ لا یتفعل الناس من علمه لا خیر فی علمه!

پاسخ: گزینه ۴ (آسان - مفهومی - قواعد)

### مفعول مطلق:

مفعول مطلق مصدری است منصوب که از جنس ریشه فعل جمله ساخته شده است. ولی باید مواردی را که شبیه مفعول هستند در نظر داشته باشید:  
(۱) مفعول ← اسم منصوبی است که معنای یک فعل متعدی را کامل می‌کند و بدون آن نقش‌های جمله ناقص می‌شوند.  
(۲) خبر افعال ناقصه ← اسم منصوبی است که معنای فعل ناقص را کامل می‌کند و همراه «بود، شد، نیست و ...» ترجمه می‌شود.

### پاسخ تشریحی:

در هیچکدام از گزینه‌ها به جز گزینه ۴ «فعل + مصدر همان فعل» دیده نمی‌شود. در این گزینه «إثمارة» مصدر فعل «تثمر» است.

(مرتضی کاظم شیروزی)

«مَن»: هر که / «أوجد»: ایجاد کند، به وجود آورد / «خَلَّأ»: خللی، بی‌نظمی‌ای (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «فی نظام الطَّبیعة»: در نظام طبیعت (رد گزینه ۱) / «ظَلَمَهَا ظِلْماً»: به آن قطعاً ستم کرده است (رد گزینه ۳) / «لأنه»: زیرا آن (رد گزینه ۳) / «یُسَبِّحُ»: باعث می‌شود، سبب می‌شود / «التَّوْازُن»: تعادل (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «الاستقرار»: ثبات، آرامش هم‌چنین در گزینه «۳»، «در آن» اضافی است.

(ترجمه)

(سیرمه‌مرعلی مرتضوی)

«هناک مزارع»: مزرعه‌هایی وجود دارد، مزرعه‌هایی هست (رد گزینه ۳) / «قد تعرَّضت»: در معرض قرار گرفته‌اند (دقت کنید فعل ماضی است و فاعل آن نیز «الخضراوات» است؛ رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «الخضراوات»: سبزیجات (رد گزینه ۳) / «المُزارعین لیستشیروا»: کشاورزان باید مشورت بخواهند (رد گزینه ۳) / «خبراء الزراعة»: کارشناسان کشاورزی / «لکی یتخلَّصوا من الأمر»: تا از موضوع رهایی یابند (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(ترجمه)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «لِنَتَعَلَّمْ»: برای اینکه یاد بگیریم (با توجه به اینکه آخر فعل مضارع در ترکیب «لِ + مضارع» منصوب است، حرف «لِ» معنی «تا، برای اینکه» می‌دهد.)

گزینه «۲»: «لَا يَنْصُرُ»: نباید کمک کند / کمک نکند (ترکیب «لا + مضارع مجزوم» معنای نهی دارد.)

گزینه «۳»: «الْمُحَاضِرَاتِ الَّتِي كُنْتُ أَلْقَاهَا»: سخنرانی‌هایی که می‌کردم (ترکیب «کان + فعل مضارع» به شکل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.) (ترجمه)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

ترجمه گزینه «۱»: فقط دوست بسیار فهمیده‌ام به کمک کردن در حلّ مشکل اقدام کرد! (به جایگاه لفظ «فقط، تنها» دقت کنید!)

گزینه «۲»: «لَمَّا كُنْتُ طِفْلاً: زمانی که طفلی بودم» اشتباه ترجمه شده است. هم‌چنین لفظ «به خود» در ترجمه اضافی و زائد است.

گزینه «۴»: «إِنَّمَا» به معنای «تنها، فقط» است، نه «بی‌شک».

(ترجمه)

در گزینه «۳»، «کان + لِ» به معنای «داشتن»، دلالت بر زمان گذشته دارد:

ترجمه عبارت: پدرانمان نقش بزرگی در پیشرفت علم‌ها و هنرها داشتند!

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه‌های «۱ و ۴»: در هر دو عبارت، «کان» به معنای «است» دلالت بر زمان حال دارد.

گزینه «۲»: «لیس: نیست» جزء افعال ماضی است اما معنای حال می‌دهد.

(انواع عملات)





اقتصاد: صفحه‌های ۴۳ تا ۸۰

۲۹

## تست و پاسخ

با توجه به جریان چرخشی ساده بین خانوارها و بنگاه‌ها (الگوی اقتصاد دویخشی) کدام گزینه نادرست است؟

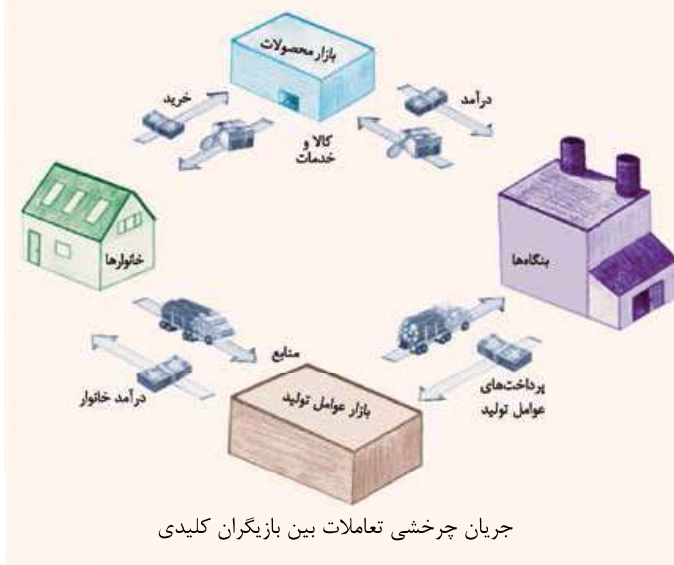
- (۱) خانوارها زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی را برای تولید کالاها و خدمات ارائه می‌کنند.
- (۲) در بازار عوامل تولید، یکی از پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها پرداخت می‌شود، یارانه است.
- (۳) در بازار عوامل تولید خانوارها فروشنده و بنگاه‌ها خریدار هستند.
- (۴) پولی که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند، با عبور از بازار محصولات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود.

(درس ۵ - جریان چرخشی ساده)

## پاسخ: گزینه ۲

## درس نامه ●●● جریان چرخشی ساده

خانوارها، کالاها و خدمات را از بنگاه‌ها خریداری می‌کنند. بنگاه‌ها، منابع را از خانوارها اجاره یا خریداری می‌کنند. رابطه دادوستد شکل می‌گیرد.



در نیمه بالایی نمودار:

- تبادل تولیدات را در بازار کالاها و خدمات نشان می‌دهد.
  - در بازار کالاها و خدمات خانوارها خریدار و بنگاه‌ها فروشنده‌اند.
  - پولی که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند، با عبور از بازار محصولات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود.
- در نیمه پایینی نمودار:

- تبادل عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی) در بازار عوامل تولید را نشان می‌دهد.
- در بازار عوامل تولید، خانوارها فروشنده و بنگاه‌ها خریدار هستند.
- پولی که بنگاه‌ها بابت خرید عوامل تولید می‌پردازند، با عبور از بازار عوامل تولید، به عنوان درآمد خانوارها (تحت عنوان‌های دستمزد، اجاره و سود) دریافت می‌شود.

پاسخ تشریحی در بازار عوامل تولید، یکی از پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها پرداخت می‌شود، دستمزد یا اجاره یا سود سرمایه است.

۳۰

## تست و پاسخ

چند مورد از عبارات زیر درست است؟

- (الف) منحنی تقاضا، صعودی است.
- (ب) کالای معمولی، کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا کاهش می‌یابد.
- (ج) کالاهای مکمل، کالاهایی هستند که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس.
- (د) سیاست‌گذاران معمولاً تلاش می‌کنند از دو راه، تقاضا و مصرف کالایی مضر مانند سیگار را کاهش دهند: (۱) آگاه‌سازی مردم به زبان‌های کشیدن سیگار (۲) بالا بردن قیمت آن از طریق وضع مالیات بر سیگار.
- (ه) فروشنده‌گان همان بنگاه‌های ارائه‌کننده کالا یا خدمات و نیز عوامل فروش آن‌ها هستند.
- (و) اگر قیمت مواد اولیه افزایش یابد، هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و میزان تولید کالا افزایش می‌یابد.

۴ (۴)

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)

پاسخ: گزینه ۳ (درس ۵ - فریداران یا تقاضا کنندگان و فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها، قیمت به عنوان ابزاری برای مدیریت مصرف، فروشنده‌گان یا عرضه‌کنندگان و فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها)

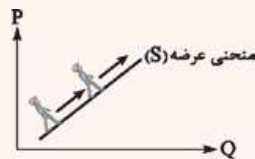


**مشاوره** پاسخ دادن به سوال های صحیح و غلط مستلزم تسلط کامل بر متن کتاب درسیه. متن را به دقت مطالعه کنید و سعی کنید تمامی مطالب را تحلیل کنید و هیچ نکته ای را بدون فهمیدن آن کنار نگذارید. این جوری به خاطر سپردن مطالب راحت تر و عمیق تر خواهد بود. از نکته برداری و خلاصه نویسی هم غافل نشوید!

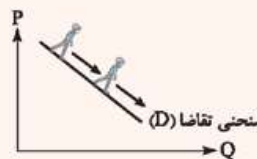
**پاسخ تشریحی** بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) غلط است؛ منحنی تقاضا نزولی و منحنی عرضه صعودی است.

**درس نامه** راه تشخیص صعودی یا نزولی بودن یک نمودار: فرض کنیم فردی از چپ به راست بر روی منحنی ما در حال حرکت است. اگر فرد رو به بالا حرکت کند، نمودار صعودی و اگر فرد رو به پایین حرکت کند، نمودار نزولی است.



نمودار عرضه صعودی است.



نمودار تقاضا نزولی است.

ب) غلط است؛ کالای معمولی، کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می یابد. (ج) صحیح است.

(د) صحیح است.

(ه) صحیح است.

(و) غلط است؛ اگر قیمت مواد اولیه افزایش یابد، هزینه های تولید افزایش می یابد و میزان تولید کالا کاهش می یابد.

## تست و پاسخ ۳۱

جدول زیر، نمودار «تقاضا، عرضه و قیمت» در یک بازار فرضی است. به ترتیب کدام ردیف های جدول بیانگر:

ردیف	مقدار تقاضا (به کیلو)	مقدار عرضه (به کیلو)	قیمت (به ریال)
۱	۱۴۰۰	۶۰۰	۱۰۰
۲	۱۲۰۰	۸۰۰	۱۱۰
۳	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۰
۴	۸۰۰	۱۲۰۰	۱۳۰
۵	۶۰۰	۱۴۰۰	۱۴۰
۶	۴۰۰	۱۶۰۰	۱۵۰

الف) برابری میان «تقاضا و عرضه» است و نام اصطلاح اقتصادی آن کدام است؟

ب) کمبود عرضه است؟

ج) مازاد عرضه است؟

(۱) الف) ردیف ۳ - مقدار و قیمت تعادلی / ب) ردیف ۲ / ج) ردیف ۶

(۲) الف) ردیف ۳ - مقدار و قیمت تعادلی / ب) ردیف ۴ / ج) ردیف ۶

(۳) الف) ردیف ۵ - قیمت تعادلی / ب) ردیف ۳ / ج) ردیف ۳

(۴) الف) ردیف ۵ - قیمت تعادلی / ب) ردیف ۴ / ج) ردیف ۳

## پاسخ: گزینه ۱

(درس ۵ - تعادل در بازار کالا و خدمات)

**خودت حل کنی بهتره** در هر سطر از جدول میزان عرضه و تقاضا را بررسی کنید. اگر میزان عرضه بیشتر از میزان تقاضا باشد، در آن سطر از جدول، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا داریم؛ اما اگر میزان تقاضا بیشتر از میزان عرضه باشد، در آن سطر از جدول، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا داریم و اگر میزان تقاضا برابر با میزان عرضه باشد، در آن سطر از جدول، تعادل در بازار را خواهیم داشت.

**پاسخ تشریحی** الف) در سطح قیمت ۱۲۰ ریال که به ازای آن مقدار عرضه و تقاضا با هم برابرند، بازار به تعادل می رسد و در آن کمبود یا مازاد مشاهده نمی شود؛ بنابراین در ردیف ۳ برابری میان عرضه و تقاضا را داریم که به آن «قیمت و مقدار تعادلی» می گویند.

ب) در سطح قیمت های پایین تر از ۱۲۰ ریال (ردیف های ۱ و ۲) در بازار با «کمبود عرضه یا مازاد تقاضا» روبرو می شویم.

ج) در سطح قیمت های بالاتر از ۱۲۰ ریال (ردیف های ۴، ۵ و ۶) در بازار با «مازاد عرضه یا کمبود تقاضا» روبرو می شویم.



موارد کدام گزینه به ترتیب تکمیل کننده جاهای خالی عبارات زیر است؟

(الف) کالای ..... مانند ..... به کالایی گفته می شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می یابد.

(ب) نزولی بودن منحنی تقاضا به این معنی است که با ..... قیمت، مقدار تقاضا ..... یافته و در مقابل با ..... قیمت، مقدار تقاضا ..... می یابد.

(ج) اگر در بازار، قیمت کالایی در حال افزایش باشد می گوئیم به دلیل ..... قیمت .....

(۱) (الف) پست - برنج هندی در مقایسه با برنج ایرانی / (ب) افزایش - کاهش - کاهش - افزایش / (ج) کمبود عرضه - به سمت قیمت تعادلی پیش می رود

(۲) (الف) نرمال - گوشت قرمز در مقایسه با گوشت سفید / (ب) افزایش - کاهش - کاهش - افزایش / (ج) مازاد عرضه - به سمت قیمت تعادلی پیش می رود

(۳) (الف) پست - کالاهای دست دوم در مقایسه با کالاهای نو / (ب) کاهش - کاهش - افزایش - افزایش / (ج) مازاد عرضه - از قیمت تعادلی فاصله می گیرد

(۴) (الف) نرمال - خودرو در مقایسه با لاستیک / (ب) کاهش - کاهش - افزایش - افزایش / (ج) کمبود عرضه - از قیمت تعادلی فاصله می گیرد

(درس ۵ - فریداران یا تقاضاکنندگان و فرایند تصمیم گیری آن ها، تعادل در بازار کالا و خدمات)

## پاسخ: گزینه ۱

**پاسخ تشریحی** (الف) کالای «پست» مانند برنج هندی در مقایسه با برنج ایرانی (۱) یا کالاهای دست دوم در مقایسه با کالاهای نو (۲) به کالایی گفته می شود که با افزایش درآمد تقاضا برای آن کاهش می یابد.

هواست باشه کالای پست یعنی کالای نامرغوب، هر کالایی که مرغوبیت کم تری از به کالای دیگه داشته باشه، ویژگی کالای پست بودن رو داره.

**درس نامه** ●● مثال های زیادی برای کالاهای پست وجود دارد. برخی کالاها ممکن است در یک منطقه، «پست» و در منطقه ای دیگر نرمال باشند. با این حال برخی کالاها هستند که در بیشتر کشورها و فرهنگ ها در رده کالاهای «پست» طبقه بندی می شوند. در ادامه برخی از این مثال ها مرور می شوند:

چند مثال مشهور از کالاهای پست در زمینه غذایی، فست فود، نان و سیب زمینی هستند. زمانی که درآمد افراد افزایش پیدا می کند، آن ها به سراغ مصرف کالاهایی با کیفیت تر می روند. از سوی دیگر زمانی که درآمد فرد محدود می شود، تقاضا برای خرید نان، فست فود و سیب زمینی که قیمت کم تری نسبت به سایر غذاها دارند افزایش می یابد.

هم چنین برخی اقتصاددانان، خودروهای ارزان قیمت در کشورهای پیشرفته را در رده کالاهای «پست» قرار داده اند. زمانی که درآمد مصرف کنندگان کاهش می یابد، آن ها خرید خودروهای ارزان تر را ترجیح می دهند. با افزایش درآمد مصرف کننده، تقاضا برای خودروهای ارزان قیمت کاهش و تقاضا برای خودروهای گران قیمت افزایش می یابد؛ بنابراین خودروهای ارزان قیمت در این کشورها، یک نوع کالای «پست» محسوب می شوند.

سرویس اتوبوس بین شهری (یا کشوری) نیز مثالی دیگر از کالاهای پست است. این نوع حمل و نقل ارزان تر از سفرهای هوایی یا ریلی است، اما زمان رسیدن به مقصد طولانی تر است. زمانی که درآمد فرد کاهش می یابد، سفر با اتوبوس قابل قبول تر می شود. زمانی که درآمد فرد بیشتر می شود، فرد حمل و نقل سریع تر مانند هواپیما را ترجیح می دهد.

هم چنین به عنوان یک قاعده کلی، کالاهای مستعمل و دست دوم نیز در رده کالاهای پست قرار می گیرند. با افزایش درآمد مصرف کننده، تقاضا برای خرید این نوع کالاها کاهش می یابد و فرد به سراغ خرید کالاهای نو و با کیفیت بهتر می رود.

(ب) نزولی بودن منحنی تقاضا، به این معناست که با «افزایش» قیمت، مقدار تقاضا «کاهش» یافته و در مقابل، با «کاهش قیمت»، مقدار تقاضا «افزایش» می یابد.

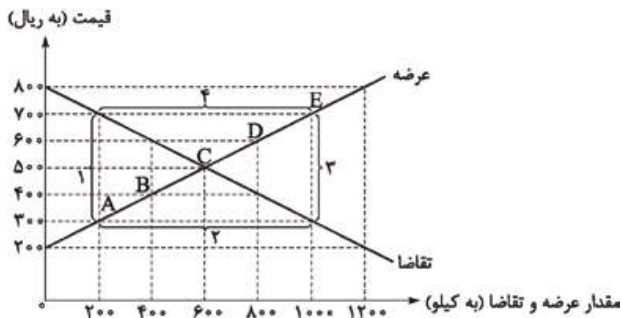


ج) اگر در بازار، قیمت کالایی در حال افزایش باشد ← به دلیل کمبود عرضه (فزونی تقاضا بر عرضه) قیمت به سمت قیمت تعادلی پیش می‌رود.  
اگر در بازار، قیمت کالایی در حال کاهش باشد ← به دلیل مازاد عرضه (فزونی عرضه بر تقاضا) قیمت به سمت قیمت تعادلی پیش می‌رود.

۳۳

## تست و پاسخ

نمودار زیر، بیانگر مقادیر عرضه و تقاضای یک کالا در قیمت‌های مختلف است. با توجه به آن:



الف) کدام گزینه در خصوص وضعیت بازار در قیمت ۸۰۰ ریال، صحیح است؟

ب) در قیمت: ۴۰۰ ریال و ۷۰۰ ریال، به ترتیب بازار با چه وضعیتی روبه‌روست؟

ج) در کدام سطح از قیمت و مقدار، دریافتی تولیدکننده به حداکثر می‌رسد و مقدار آن کدام است؟

د) کدام عامل موجب از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا و

همانگی رفتار اقتصادی تولیدکننده و مصرف‌کننده در سطح قیمت ۶۰۰ ریال می‌شود؟

۱) الف) کمبود تقاضا نسبت به مقدار تقاضای تعادلی ۶۰۰ کیلو است. / ب) ۴۰۰ کیلو کمبود عرضه - ۸۰۰ کیلو مازاد عرضه / ج) ۷۰۰ و ۱۰۰۰ - ۷۰۰,۰۰۰ / د) ۵۰ ریال افزایش قیمت

۲) الف) کمبود تقاضا نسبت به مقدار تقاضای تعادلی ۶۰۰ کیلو است. / ب) ۴۰۰ کیلو مازاد تقاضا - ۸۰۰ کیلو کمبود تقاضا / ج) ۵۰۰ و ۶۰۰ - ۳۰۰,۰۰۰ / د) ۱۰۰ ریال کاهش قیمت

۳) الف) کمبود تقاضا نسبت به مقدار تقاضای تعادلی ۱۲۰۰ کیلو است. / ب) ۸۰۰ کیلو کمبود تقاضا - ۱۰۰ کیلو مازاد تقاضا / ج) ۵۰۰ و ۶۰۰ - ۳۰۰,۰۰۰ / د) ۱۰۰ ریال کاهش قیمت

۴) الف) کمبود تقاضا نسبت به مقدار تقاضای تعادلی ۱۲۰۰ کیلو است. / ب) ۸۰۰ کیلو مازاد عرضه - ۱۰۰ کیلو کمبود عرضه / ج) ۷۰۰ و ۱۰۰۰ - ۷۰۰,۰۰۰ / د) ۵۰ ریال افزایش قیمت

(درس ۵ - تعادل در بازار کالا و خدمات)

## پاسخ: گزینه ۲

**مشاوره** مبحث تعادل در بازار کالا و خدمات، از مباحث مهم کتاب درسیه که هر سال در کنکور سراسری حداقل یه سؤال رو به خودش اختصاص داده. این سؤال مشابه سؤال کنکور ۹۷ و ۹۹ سراسریه. با دقت این سؤال و نکاتش رو بررسی کن. برای تمرین بیشتر هم سؤال‌های کتاب اقتصاد خیلی سبز رو حتماً بررسی کن.

**پاسخ تشریحی** الف) نقطه برخورد دو منحنی عرضه و تقاضا، نقطه تعادل در بازار را نشان می‌دهد که قیمت متناظر با آن، قیمت تعادلی (۵۰۰ ریال) و مقدار متناظر با آن را مقدار تعادلی (۶۰۰ کیلو) در بازار می‌گویند.

کیلو ۱۲۰۰ - ۰ = ۱۲۰۰ = مقدار تقاضا در قیمت ۸۰۰ ریال - مقدار عرضه در قیمت ۸۰۰ ریال = کمبود تقاضا در قیمت ۸۰۰ ریال

کیلو ۶۰۰ = مقدار تقاضای تعادلی

ب) مقدار تقاضای تعادلی - کمبود تقاضا در قیمت ۸۰۰ ریال = مقدار کمبود تقاضا در قیمت ۸۰۰ ریال نسبت به مقدار تعادلی

کیلو ۶۰۰ - ۶۰۰ = ۱۲۰۰ =

■ در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد؛ زیرا به دلیل ارزان بودن کالا، تقاضا برای آن زیاد است. در حالی که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزه کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضه آن کم می‌شود.





کیلو  $400 = 800 - 400 =$  مقدار عرضه در قیمت ۴۰۰ ریال - مقدار تقاضا در قیمت ۴۰۰ ریال = کمبود عرضه (مازاد تقاضا) در قیمت ۴۰۰ ریال  
 ■ در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد؛ زیرا گروهی از تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند. در این حالت به دلیل گران‌بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند، در حالی که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایلی نشان نمی‌دهند.

کیلو  $800 = 1000 - 200 =$  مقدار تقاضا در قیمت ۷۰۰ ریال - مقدار عرضه در قیمت ۷۰۰ ریال = مازاد عرضه (کمبود تقاضا) در قیمت ۷۰۰ ریال  
 (ج) در سطح قیمت ۵۰۰ ریال و مقدار ۶۰۰ کیلو تولیدکننده بیشترین دریافتی را دارد.

ریال  $500 \times 600 = 300,000 =$

(د) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد؛ زیرا گروهی از تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند. در این حالت به دلیل گران‌بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند، در حالی که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایلی نشان نمی‌دهند. در صورت ادامه این روند چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند؛ در نتیجه قیمت پایین می‌آید. در این حالت از یک سو، مصرف‌کنندگان با پایین آمدن قیمت، مقدار خرید خود را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، تولیدکنندگان از مقدار تولید خود می‌کاهند. این کاهش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد. بنابراین در سطح قیمت ۶۰۰ ریال، قیمت باید ۱۰۰ ریال کاهش یابد تا به سطح قیمت تعادلی برسیم.

۳۴

## تست و پاسخ

هر کدام از موارد زیر به ترتیب به کدام یک از وظایف دولت اشاره دارد؟

- (الف) یک بنگاه توانسته با جعل سند، زمین آقای رحیمی را بدون اطلاع او به یک نفر دیگر بفروشد.  
 (ب) یک شرکت لنت ترمز، با تولید لنت ترمز نامرغوب باعث بروز حوادث زیادی در جاده‌های کشور شده است.  
 (ج) نبود روشنایی مناسب در یک جاده بین شهری سالانه منجر به تصادفات و مرگ هم‌وطنانمان می‌شود.  
 (د) آقای منوچهری به تازگی یک آرایشگاه مردانه افتتاح کرده است، اما ناتوانی و مهارت پایین او باعث شده تا بخش زیادی از مراجعه‌کنندگان ناراضی باشند.

(۱) (الف) تعریف و اجرای حقوق مالکیت / (ب) تأیید کیفیت یا عدم کیفیت محصولات توسط سازمان استاندارد / (ج) تأمین کالاهای عمومی مورد نیاز مردم / (د) جلوگیری از ورود افرادی که صلاحیت‌های لازم به مشاغل مختلف را ندارند.

(۲) (الف) داوری در میدان فعالیت‌های اقتصادی / (ب) ارائه کالاهای عمومی مورد نیاز مردم / (ج) قانون‌گذاری و جرمه متخلفان رانندگی / (د) تعریف و اجرای حقوق مالکیت

(۳) (الف) ممنوعیت معاملات زیان‌بار خریداران و فروشندگان / (ب) بهبود وضعیت جاده‌های کشور / (ج) افزایش خدمات پزشکی و درمانی در کشور / (د) ممنوعیت معاملات زیان‌بار خریداران و فروشندگان

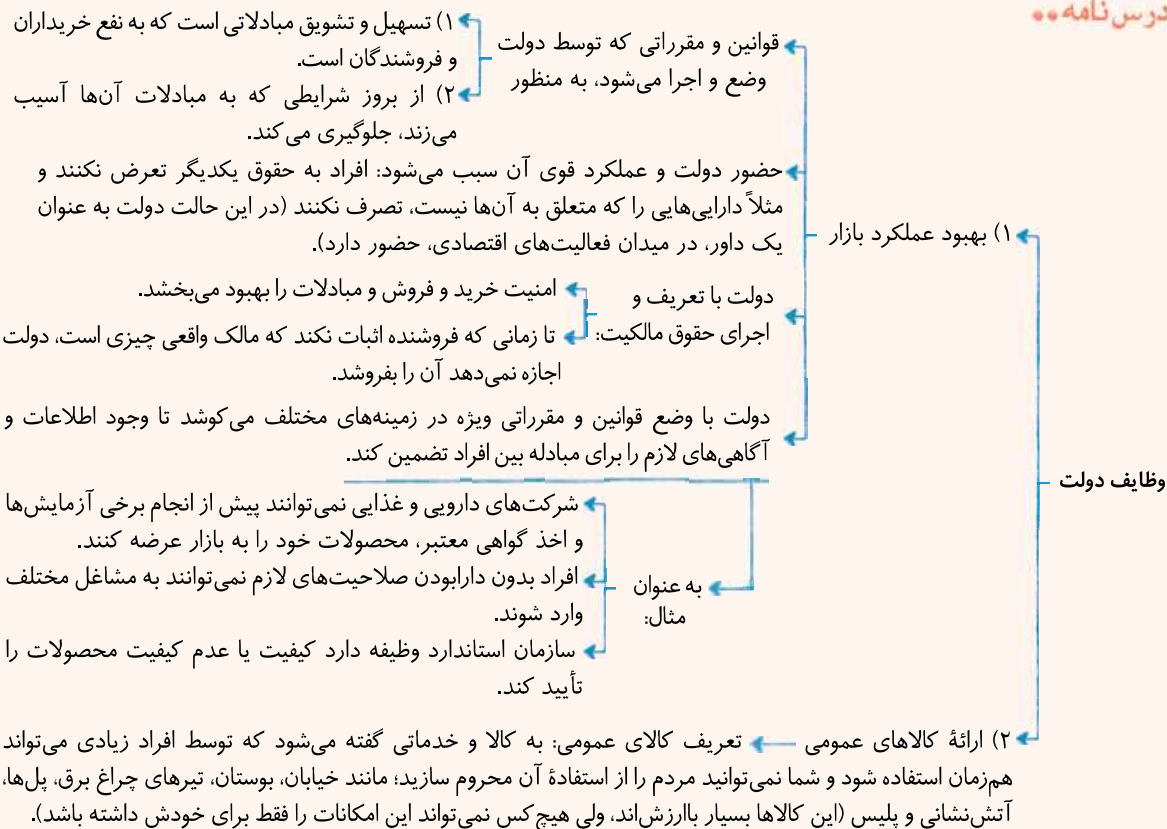
(۴) (الف) تعریف و اجرای حقوق مالکیت / (ب) ارائه کالاهای عمومی مورد نیاز مردم / (ج) تأمین کالاهای عمومی مورد نیاز مردم / (د) جلوگیری از ورود افرادی که صلاحیت‌های لازم به مشاغل مختلف را ندارند.

(درس ۶ - وظایف دولت)

پاسخ: گزینه ۱



## درس نامه



**پاسخ تشریحی الف)** تعریف و اجرای حقوق مالکیت: دولت با تعریف و اجرای حقوق مالکیت، اجازه نمی‌دهد تا زمانی که فروشنده اثبات نکند که مالک واقعی چیزی است، آن را بفروشد. حضور دولت و عملکرد قوی آن سبب می‌شود افراد به حقوق یکدیگر تعرض نکنند و مثلاً دارایی‌هایی را که متعلق به آن‌ها نیست تصرف نکنند.

ب) تأیید کیفیت یا عدم کیفیت محصولات توسط سازمان استاندارد: سازمان استاندارد وظیفه دارد کیفیت یا عدم کیفیت محصولات را تأیید کند.

ج) ارائه کالاهای عمومی مورد نیاز مردم: دولت مسئول ارائه و تأمین کالاها و خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری در این حوزه است (صورت سؤال قبلی واضح گفته دلیل تضادها، نبود روشناییه، پس هزینه متعلق‌ها و افزایش خدمات درمانی مشکلی رو حل نمی‌کنه).

د) جلوگیری از ورود افرادی که صلاحیت‌های لازم به مشاغل مختلف را ندارند: افراد نمی‌توانند بدون دارابودن صلاحیت‌های لازم به مشاغل مختلف وارد شوند. (این‌ها مشکل اصلی نداشتن مهارت و نه زیان‌بار بودن فرد عمل اقتصادی).

## تست و پاسخ ۳۵

هر یک از موارد زیر به ترتیب مربوط به کدام شکل از مالیات (مستقیم و غیرمستقیم) است؟

- مالیاتی که امیرعلی به خاطر مصرف نوشیدنی‌های گازدار با خرید خود پرداخت می‌کند.
- خانم گوهری به واسطه فروش خانه خود از طرف دولت پرداخت‌کننده مالیات شناخته شده است.
- شرکت تابان به دلیل دریافت سود از حساب‌های سپرده خود مشمول مالیات شده است.
- فرزندان آقای رحیمی، بعد از فروش خانه پدر مرحومشان به دولت مالیات پرداخت کردند.
- سمیرا برای سفرش به یک کشور خارجی به دولت عوارض پرداخت کرد.

(۱) مستقیم - غیرمستقیم - غیرمستقیم - غیرمستقیم - مستقیم

(۲) غیرمستقیم - مستقیم - مستقیم - مستقیم - غیرمستقیم

(۳) غیرمستقیم - غیرمستقیم - مستقیم - غیرمستقیم - غیرمستقیم

(۴) مستقیم - مستقیم - غیرمستقیم - مستقیم - مستقیم





**مشاوره** رویه جدید کنکور، طرح سؤال به صورت مثال‌هایی خارج از متن کتاب درسی و به صورت مفهومی است. زمانی می‌تونید به این سؤال‌ها پاسخ بدید که متن کتاب رو به دقت فهمیده باشید، نه این‌که صرفاً حفظ کرده باشید.

## درس نامه

انواع مالیات	ویژگی	انواع مالیات
مالیات بر دارایی	مبلغی به عنوان مالیات از درآمد و دارایی افراد دریافت می‌شود.	مالیات مستقیم
مالیات بر درآمد (مهم‌ترین نوع مالیات)		
عوارض گمرکی و خدماتی	مالیات به صورت بخشی از قیمت کالا از مشتری گرفته می‌شود.	مالیات غیرمستقیم
مالیات بر مصرف		
مالیات بر ارزش افزوده (VAT)		

**پاسخ تشریحی** ■ مالیاتی که امیرعلی به خاطر مصرف نوشیدنی‌های گازدار با خرید خود پرداخت می‌کند: غیرمستقیم (هر موقع کلمه «مصرف» رو دیدی یعنی مالیات غیرمستقیمه)

■ خانم گوهری به واسطه فروش خانه خود از طرف دولت، پرداخت‌کننده مالیات شناخته شده است: مستقیم (هر موقع پای فرید و فروش به «دارایی مثل فوئه و ماشین» وسط باشه، مالیات مستقیمه)

■ شرکت تابان به دلیل دریافت سود از حساب‌های سپرده خود مشمول مالیات شده است: مستقیم («سپرده بانکی» هم به نوع دارایی محسوب می‌شه، پس مالیات مستقیمه)

■ فرزندان آقای رحیمی، بعد از فروش خانه پدر مرحومشان به دولت مالیات پرداخت کردند: مستقیم («ارث» هم به نوع دارایی محسوب می‌شه، پس اینم مالیات مستقیمه)

■ سمیرا برای سفرش به یک کشور خارجی به دولت عوارض پرداخت کرد: غیرمستقیم (هر شکل از عوارض، مالیات غیرمستقیم محسوب می‌شن، مثل عوارض خروج از کشور)

## ۳۶

## تست و پاسخ

مالک یک معدن، مس استخراجی خود را به ارزش ۷ میلیارد تومان به مجتمع خالص‌سازی می‌فروشد و مجتمع خالص‌سازی، مس‌های دریافتی را به ۵۰ تن مس خالص تبدیل کرده و هر تن را به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان به کارخانه فرآوری می‌فروشد؛ کارخانه فرآوری، مس‌های دریافتی را به ۲۰۰ ورقه مسی تبدیل کرده و هر ورقه را به ارزش ۶۰ میلیون تومان به مجتمع تجهیزات الکتریکی می‌فروشد و مجتمع تجهیزات الکتریکی، کل ورقه‌های مسی را به کابل مسی تبدیل کرده و محصول خود را به ارزش ۳۰ میلیارد تومان به مصرف‌کننده نهایی می‌فروشد. با توجه به این داده‌ها، اگر نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۹٪ باشد:

(الف) ارزش افزوده ایجادشده توسط مجتمع خالص‌سازی چه قدر است؟

(ب) مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده، چه قدر است؟

(ج) قیمت کالای نهایی با احتساب مالیات بر ارزش افزوده چه قدر است؟

(د) مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع‌آوری شده توسط کارخانه فرآوری چه قدر است؟

(۱) الف) ۸ میلیارد تومان / ب) ۳۲۵۰ میلیون تومان / ج) ۳۷۲۰۰ میلیون تومان / د) ۱۲۰ میلیون تومان

(۲) الف) ۸ میلیارد تومان / ب) ۳۲۵۰ میلیون تومان / ج) ۳۲۷۰۰ میلیون تومان / د) ۱۸۰ میلیون تومان

(۳) الف) ۳ میلیارد تومان / ب) ۲۷۰۰ میلیون تومان / ج) ۳۷۲۰۰ میلیون تومان / د) ۱۲۰ میلیون تومان

(۴) الف) ۳ میلیارد تومان / ب) ۲۷۰۰ میلیون تومان / ج) ۳۲۷۰۰ میلیون تومان / د) ۱۸۰ میلیون تومان

(درس ۶ - مالیات بر ارزش افزوده)

**پاسخ: گزینه ۴**



## درس نامه

برای حل مسائل مالیات بر ارزش افزوده باید جدول زیر را به خاطر بسپارید.

مراحل	توضیحات
قیمت فروش با مالیات بر ارزش افزوده	$(\text{نرخ مالیات بر ارزش افزوده} \times \text{قیمت کالا در آن مرحله}) + \text{قیمت کالا در آن مرحله}$
مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده	$\text{نرخ مالیات بر ارزش افزوده} \times \text{قیمت کالا در آن مرحله}$
اعتبار مالیات بر ارزش افزوده‌هایی که در مرحله قبل پرداخت شده	برابر است با مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله قبل
مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله قبل - مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در آن مرحله	یا $\text{نرخ مالیات بر ارزش افزوده} \times \text{میزان ارزش افزوده آن مرحله}$
مجموع مالیات بر ارزش افزوده	یا مجموع مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده تمامی مراحل مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر

پاسخ تشریحی الف) می‌دانیم:

قیمت کالا در مرحله قبلی - قیمت کالا در آن مرحله = میزان ارزش افزوده ایجاد شده در هر مرحله

میلیارد تومان  $10 =$  میلیون تومان  $10,000 = 50 \times 200 =$  قیمت کالا در مرحله خالص سازی

نکته برای تبدیل میلیون به میلیارد، کافی است عدد مورد نظر را بر  $1000$  تقسیم کنیم یا به عبارت دیگر سه تا صفر آن را حذف کنیم.

قیمت کالا در مرحله قبلی - قیمت کالا در آن مرحله = میزان ارزش افزوده ایجاد شده توسط مجتمع خالص سازی

میلیارد تومان  $3 = 10 - 7 =$

(ب)

مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر = مجموع مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده

نرخ مالیات بر ارزش افزوده  $\times$  قیمت کالا در مرحله آخر = مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله آخر

میلیون تومان  $2,700 =$  میلیارد تومان  $2/7 = 30 \times \frac{9}{100} =$

نکته برای تبدیل میلیارد به میلیون، کافی است عدد مورد نظر را در  $1000$  ضرب کنیم.



(ج)

(نرخ مالیات بر ارزش افزوده  $\times$  قیمت کالا در آن مرحله) + قیمت کالا در آن مرحله = قیمت فروش با احتساب مالیات بر ارزش افزوده

$$\text{میلیارد تومان } 32/7 = 30 + 2/7 = 30 \times \frac{9}{100} + 30$$

$$= 32,700 \text{ میلیون تومان}$$

(د)

$$\text{میلیارد تومان } 12 = \text{میلیون تومان } 12,000 = 200 \times 60 = \text{ارزش محصول در مرحله فراوری}$$

برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده توسط کارخانه فراوری دو راه حل وجود دارد:

راه حل اول:

نرخ مالیات بر ارزش افزوده  $\times$  میزان ارزش افزوده آن مرحله = مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده توسط کارخانه فراوری

$$= \text{میلیون تومان } 180 = \text{میلیارد تومان } 18 = 10 \times \frac{9}{100} = 2 \times \frac{9}{100} = (12 - 10) \times \frac{9}{100}$$

راه حل دوم:

= مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع آوری شده توسط کارخانه فراوری

مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در مرحله قبل - مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری شده توسط فروشنده در آن مرحله

$$= \text{میلیون تومان } 180 = \text{میلیارد تومان } 18 = 10 \times \frac{9}{100} - 10 \times \frac{9}{100} = 10 \times \frac{9}{100} - 10 \times \frac{9}{100}$$



## تست و پاسخ

ایرادات هر یک از منابع درآمدی ذکر شده برای دولت، کدام است؟

(الف) فروش نفت و گاز

(ب) صدور اوراق مشارکت و فروش آن به مردم

(ج) تأمین مالی ساخت یک نیروگاه برق از سمت مردم و مشارکت آنان در سود این نیروگاه

(د) فروش محصول خام منابع مس شرق کشور

(۱) (الف) تحریم پذیر بودن، نوسان قیمتی زیاد و تعلق این دارایی‌ها به مردم و نسل‌های بعد / (ب) بالابودن هزینه‌های مالی برای صدور اوراق /

(ج) ناپایداری بودن / (د) تعلق این دارایی‌ها به مردم و نسل‌های بعد

(۲) (الف) ناپایداری بودن، تحریم پذیر بودن، نوسان قیمتی زیاد / (ب) ناپایداری بودن / (ج) تحریم پذیر بودن / (د) هزینه‌های بالای استخراج و

حمل و نقل

(۳) (الف) ناپایداری بودن، تحریم پذیر بودن، نوسان قیمتی زیاد / (ب) ناپایداری بودن / (ج) ناپایداری بودن / (د) تعلق این دارایی‌ها به مردم و نسل‌های بعد

(۴) (الف) تحریم پذیر بودن، نوسان قیمتی زیاد و تعلق این دارایی‌ها به مردم و نسل‌های بعد / (ب) بالابودن هزینه‌های مالی برای صدور اوراق /

(ج) تحریم پذیر بودن / (د) هزینه‌های بالای استخراج و حمل و نقل

## پاسخ: گزینه ۳

(درس ۶ - سایر درآمدهای دولت)

(الف) درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز پایدار نیستند، نوسان زیادی دارند. تحریم پذیرند و متعلق به نسل‌های بعد هم

هستند. (مورد «الف» در همه گزینه‌ها درسته، بعضی وقتا تو کنگور ممکنه این اتفاق بیفته.)

(ب) ناپایداری بودن (قرض گرفتن از مردم می‌تونه بهترین شکل قرض گرفتن دولت‌ها باشه، ولی در آمد پایداری نیست و حتی ممکنه هزینه بالای این کار

در مقایسه با سود کم اوراق، این کار رو غیر منطقی بکنه.)

(ج) ناپایداری بودن (تأمین مالی سافت یک نیروگاه از سمت مردم هم همون قرض گرفتن از مردمه.)

(د) تعلق این دارایی‌ها به مردم و نسل‌های بعد (هر منبع تولید ناپذیری تو کشور متعلق به همه مردم و حتی نسل‌های بعده و نمی‌شه صرفاً به خاطر نمودن و

نیازهای امروزمون اون‌ها رو بفروشیم و از بین ببریم.)



با توجه به جدول زیر، به ترتیب:

۱	مالیات بر مصرف سیگار و مواد دخانی	$\frac{1}{12}$ مالیات بر دارایی
۲	مالیات بر درآمد	۵,۰۰۰ میلیارد تومان
۳	مالیات بر ارث	۲۵۰ میلیارد تومان
۴	مالیات بر دارایی	۲,۴۰۰ میلیارد تومان
۵	عوارض خودرو	$\frac{1}{8}$ مالیات بر دارایی
۶	مالیات بر مصرف	۶۰۰ میلیارد تومان
۷	مالیات بر ارزش افزوده	۱,۲۰۰ میلیارد تومان
۸	عوارض گمرکی و خدماتی	۵۰۰ میلیارد تومان

(الف) میزان پرداختی مالیات مستقیم و غیرمستقیم

(ب) میزان پرداختی برای مهم‌ترین نوع مالیات

(ج) میزان پرداختی برای مهم‌ترین نوع مالیات بر دارایی چند میلیارد تومان است؟

- (۱) الف) ۷۴۰۰ میلیارد تومان - ۲۳۰۰ میلیارد تومان / ب) ۳۰۰۰ میلیارد تومان / ج) ۲۰۰ میلیارد تومان  
 (۲) الف) ۷۶۵۰۰ میلیارد تومان - ۲۸۰۰ میلیارد تومان / ب) ۳۰۰۰ میلیارد تومان / ج) ۲۰۰ میلیارد تومان  
 (۳) الف) ۷۴۰۰ میلیارد تومان - ۲۳۰۰ میلیارد تومان / ب) ۵۰۰۰ میلیارد تومان / ج) ۲۵۰ میلیارد تومان  
 (۴) الف) ۷۶۵۰۰ میلیارد تومان - ۲۸۰۰ میلیارد تومان / ب) ۵۰۰۰ میلیارد تومان / ج) ۲۵۰ میلیارد تومان

(درس ۶ - انواع مالیات)

## پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی قبل از هر چیز به بار با هم هر کدام از انواع مالیات مستقیم و غیرمستقیم رو مرور کنیم:

### ■ مالیات مستقیم:

(۱) مالیات بر دارایی (ارث، انواع دارایی از قبیل خانه، ماشین و ...)

(۲) مالیات بر درآمد (انواع درآمدها مانند مالیات بر حقوق و مالیات بر درآمد املاک و ...)

### ■ مالیات غیرمستقیم:

(۱) عوارض گمرکی و خدماتی (عوارض خودرو، عوارض خانه، عوارض خروج از کشور، تعرفه‌های گمرکی بر واردات یا صادرات کالاها)

(۲) مالیات بر مصرف (هر شکل از مصرف که پوش مالیات تعلق می‌گیرد.)

(۳) مالیات بر ارزش افزوده

(الف) با توجه به این مطلب، فهمیدیم که نیاز نداریم مورد ۱، ۳ و ۵ رو حساب کنیم. چون ارزش مالیات بر مصرف سیگار در بطن مالیات بر مصرف، ارزش مالیات بر ارث در بطن مالیات بر دارایی و ارزش عوارض خودرو در بطن عوارض گمرکی و خدماتی محاسبه شده‌اند و محاسبه مجدد آن‌ها محاسبات مضاعف است و دچار خطای محاسبه می‌شویم. ☹️

مالیات مستقیم: میلیارد تومان  $۷,۴۰۰ = ۲,۴۰۰ + ۵,۰۰۰ =$  مالیات بر دارایی + مالیات بر درآمد = مالیات مستقیم

مالیات غیرمستقیم: عوارض گمرکی و خدماتی + مالیات بر ارزش افزوده + مالیات بر مصرف = مالیات غیرمستقیم

میلیارد تومان  $۲,۳۰۰ = ۱,۲۰۰ + ۵۰۰ + ۶۰۰ =$

(ب) مهم‌ترین نوع مالیات، همان مالیات بر درآمد است که میزان آن برابر با ۵,۰۰۰ میلیارد تومان است.

(ج) مهم‌ترین نوع مالیات بر دارایی، مالیات بر ارث است که میزان آن برابر با ۲۵۰ میلیارد تومان است.

چند مورد از عبارت‌های زیر، تعریف‌نشده هستند؟

(الف) $15^{-\frac{2}{5}}$	(ب) $0.2^3$	(ج) $\sqrt[3]{-1}$	(د) $\sqrt[4]{-2^4}$	(ه) $(-3)^{\frac{5}{4}}$	(و) $\sqrt[6]{(-4)^6}$
۴ (۱)			۳ (۲)		
			۱ (۴)		
					۲ (۳)

پاسخ: گزینه ۳

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۳ - درس ۲)

**درس‌نامه ۰۰۱** عدد ۱ به توان هر عدد دلخواه که برسد جوابش برابر ۱ خواهد بود.

(۲) عدد صفر به توان هر عدد صحیح مثبت که برسد جوابش برابر با صفر است.

(۳) عبارت  $a^{\frac{m}{n}}$  فقط به ازای  $a > 0$  تعریف‌شده است (  $n$  و  $m$  اعداد طبیعی هستند). مثلاً عبارت  $(-8)^{\frac{2}{3}}$  تعریف‌نشده است.

(۴) اگر فرجهٔ رادیکال، فرد باشد عدد زیر رادیکال می‌تواند مثبت، صفر یا منفی باشد و همیشه تعریف‌شده است، مانند عبارت‌های  $\sqrt[5]{-2}$ ،  $\sqrt[7]{0}$ ،  $\sqrt[3]{+1}$ ؛ ولی اگر فرجهٔ رادیکال، زوج باشد عدد زیر رادیکال، نمی‌تواند منفی باشد، یعنی عبارت  $\sqrt{-3}$  تعریف‌شده نیست.

(۵) اگر  $n$  عددی طبیعی و زوج و  $x$  عددی دلخواه باشد، داریم:

$$\sqrt[n]{x^n} = |x| \xrightarrow{\text{مثال}} \sqrt[4]{(-3)^4} = |-3| = 3$$

پاسخ تشریحی بررسی موارد:

(الف) طبق مورد (۱) درس‌نامه، تعریف‌شده است و حاصل آن برابر ۱ است.

(ب) طبق مورد (۲) درس‌نامه، تعریف‌شده است و حاصل آن برابر صفر است.

(ج) طبق مورد (۴) درس‌نامه، تعریف‌شده است، چون فرجهٔ رادیکال، فرد است و زیر رادیکال، می‌تواند منفی هم باشد. ضمناً حاصل  $\sqrt[3]{-1}$  برابر  $-1$  است.

(د) طبق مورد (۴) درس‌نامه، تعریف‌شده نیست، چون فرجه زوج است و عدد زیر رادیکال، منفی است:

$$\sqrt[4]{-2^4} = \sqrt[4]{-16} \Rightarrow \text{تعریف‌نشده}$$

(ه) طبق مورد (۳) درس‌نامه، تعریف‌شده نیست، چون عدد منفی، به توان عدد گویای  $\frac{5}{4}$  رسیده است.

(و) طبق مورد (۴) درس‌نامه، تعریف‌شده است و حاصل آن طبق مورد ۵ درس‌نامه برابر ۴ است:

$$\sqrt[6]{(-4)^6} = |-4| = 4$$

پس دو مورد «د» و «ه» تعریف‌نشده هستند.

## تست و پاسخ ۴۰

ریشه سوم عدد ۲۷- با کدام گزینه برابر نیست؟

- (۱) ریشه پنجم عدد ۲۴۳-  
 (۲) یکی از ریشه‌های دوم عدد ۹  
 (۳) قرینه ریشه نهم عدد  $27^3$   
 (۴) ریشه هفتم عدد ۷۲۹-

### پاسخ: گزینه ۴

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۳ - درس ۲)

درس نامه ●● (۱) توان‌های پرکاربرد عدد ۳ را ببینید:

$3^2 = 9$	$3^3 = 27$	$3^4 = 81$	$3^5 = 243$	$3^6 = 729$	$3^7 = 2187$
-----------	------------	------------	-------------	-------------	--------------

(۲) اگر  $a^n = b$  و  $n$  عدد طبیعی باشد، می‌گوییم  $a$  ریشه  $n$ ام  $b$  است. چند مثال:

$\sqrt{8} = 2$	ریشه سوم ۸
$\pm\sqrt{25} = \pm 5$	ریشه‌های دوم ۲۵
$\pm\sqrt[4]{3}$	ریشه‌های چهارم ۳
$\sqrt[5]{-1} = -1$	ریشه پنجم -۱

پاسخ تشریحی گام اول: ریشه سوم عدد ۲۷- برابر است با:

$$\sqrt[3]{-27} = -\sqrt[3]{27} = -\sqrt[3]{3^3} = -3$$

گام دوم: مقدار همه گزینه‌ها را حساب می‌کنیم. هر کدام -۳ نشد، جواب است:

$$\sqrt[5]{-243} = -\sqrt[5]{243} = -\sqrt[5]{3^5} = -3 \quad \checkmark$$

۱ ریشه پنجم عدد ۲۴۳-:

$$\pm\sqrt{9} = \pm 3 = +3 \text{ و } -3 \quad \checkmark$$

۲ یکی از ریشه‌های دوم عدد ۹:

$$-\sqrt[3]{27^3} = -\sqrt[3]{(3^3)^3} = -\sqrt[3]{3^9} = -3 \quad \checkmark$$

۳ قرینه ریشه نهم عدد  $27^3$ :

۴ ریشه هفتم عدد ۷۲۹-: عدد ۷۲۹ برابر با  $3^6$  می‌شود، پس ریشه هفتم ۷۲۹- به صورت  $-\sqrt[7]{3^6}$  است که -۳ نمی‌شود؛ پس جواب ۴ است.

## تست و پاسخ ۴۱

حاصل  $8^{\frac{4}{3}} + 81^{\frac{3}{4}}$  کدام است؟

۴۴ (۴)

۴۳ (۳)

۴۲ (۲)

۴۱ (۱)

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۳ - درس ۲)

### پاسخ: گزینه ۳

پاسخ تشریحی گام اول: جای ۸ و ۸۱ به ترتیب  $2^3$  و  $3^4$  قرار می‌دهیم:

$$8^{\frac{4}{3}} + 81^{\frac{3}{4}} = (2^3)^{\frac{4}{3}} + (3^4)^{\frac{3}{4}}$$

گام دوم: در عبارت به فرم  $(a^b)^c$ ، می‌توانیم  $b$  و  $c$  را در هم ضرب کنیم و آن را به عنوان توان عدد  $a$  قرار دهیم، پس:

$$\begin{aligned} & \text{ضرب} \quad \text{ضرب} \\ & (2^3)^{\frac{4}{3}} + (3^4)^{\frac{3}{4}} = 2^{(3 \times \frac{4}{3})} + 3^{(4 \times \frac{3}{4})} = 2^4 + 3^3 = 16 + 27 = 43 \end{aligned}$$



حاصل عبارت  $\sqrt{(2-\sqrt{6})^2} + \sqrt[3]{(\sqrt{2}-\sqrt{6})^3} - \sqrt[4]{4}$  کدام است؟

(۱)  $-\sqrt{2}$       (۲)  $2$       (۳)  $-2$       (۴)  $2(\sqrt{2}-1)$

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۳ - درس ۲)

پاسخ: گزینه ۳

$$\sqrt[n]{a^n} = \begin{cases} a & \text{فرد } n \\ |a| & \text{زوج } n \end{cases}$$

درس نامه ●● (۱) حاصل  $\sqrt[n]{a^n}$ :

$$k \times n \sqrt[k \times n]{a^{k \times n}} = \sqrt[n]{a^k}$$

(۲) اگر  $a > 0$  باشد، آن گاه:

پاسخ تشریحی گام اول: هر سه عبارت را ساده می‌کنیم:

$$\bullet \sqrt{(2-\sqrt{6})^2} = \underbrace{|2-\sqrt{6}|}_{\text{منفی}} \xrightarrow{\text{قرینش خارج می‌شه}} -2 + \sqrt{6}$$

$$\bullet \sqrt[3]{(\sqrt{2}-\sqrt{6})^3} = \sqrt{2} - \sqrt{6} \quad (\text{چون فرجه فرد بود، قدر مطلق نمی‌گیرد.})$$

$$\bullet \sqrt[4]{4} = \sqrt[4]{2^2} \xrightarrow{\text{توان و فرجه}} \sqrt[2]{2} = \sqrt{2} \quad \text{به ۲ ساده می‌شن.}$$

گام دوم: مقادیر بالا را جای گذاری می‌کنیم:

$$\sqrt{(2-\sqrt{6})^2} + \sqrt[3]{(\sqrt{2}-\sqrt{6})^3} - \sqrt[4]{4} = -2 + \sqrt{6} + \sqrt{2} - \sqrt{6} - \sqrt{2} = -2$$

بین دو عدد ۱ و ۸، پنج واسطه هندسی مثبت درج می‌کنیم. اگر مجموع این پنج واسطه برابر با  $m + n\sqrt{2}$  باشد. اختلاف ریشه‌های دوم عدد  $2n + m$  کدام است؟ ( $m, n \in \mathbb{N}$ )

(۱)  $2\sqrt{10}$       (۲)  $2\sqrt{5}$       (۳)  $4\sqrt{10}$       (۴)  $4\sqrt{5}$

(ریاضی و آمار ۳ - فصل ۳ - درس ۲)

پاسخ: گزینه ۲

$$r^{k+1} = \frac{b}{a}$$

درس نامه ●● (۱) اگر بین دو عدد  $a$  و  $b$ ،  $k$  واسطه هندسی با نسبت مشترک  $r$  درج کنیم، آن وقت داریم:  
(۲) ریشه‌های دوم عدد  $a > 0$  برابر با  $\pm\sqrt{a}$  است.

پاسخ تشریحی گام اول: بین  $a=1$  و  $b=8$ ، پنج واسطه هندسی با نسبت مشترک  $r$  درج می‌کنیم؛ پس داریم:

$$r^{k+1} = \frac{b}{a} \Rightarrow r^{5+1} = \frac{8}{1} \Rightarrow r^6 = 8 \Rightarrow r^6 = 2^3 \xrightarrow{\text{توان‌ها را به ۳ ساده می‌کنیم.}} r^2 = 2 \Rightarrow r = \pm\sqrt{2}$$

$$r = \sqrt{2}$$

چون جملات همگی هم‌علامت‌اند (مثبت هستند)، پس  $r$  باید مثبت باشد:

$$1, \sqrt{2}, 2, 2\sqrt{2}, 4, 4\sqrt{2}, 8$$

$$\sqrt{2} \times \sqrt{2} \times \sqrt{2} \times \sqrt{2} \times \sqrt{2} \times \sqrt{2}$$

گام دوم: پنج واسطه را حساب می‌کنیم:

$$\sqrt{2} + 2 + 2\sqrt{2} + 4 + 4\sqrt{2} = \underbrace{6}_m + \underbrace{7\sqrt{2}}_n$$

گام سوم: مجموع ۵ واسطه را حساب می‌کنیم:

$$2(m) + 6 = 20$$

پس  $2m + m$  برابر است با:

$$\pm\sqrt{20} = \pm\sqrt{4 \times 5} = \pm 2\sqrt{5}$$

گام چهارم: ریشه‌های دوم عدد ۲۰ برابر است با:

$$2\sqrt{5} - (-2\sqrt{5}) = 4\sqrt{5}$$

اختلافشان برابر است با:

▲ مشخصات سؤال: ساده \* ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۳)

نکته (خواص توان): (m و n اعداد حقیقی و a و b اعداد حقیقی مثبت مخالف هستند).

$$\frac{a^m}{b^m} = \left(\frac{a}{b}\right)^m$$

$$(a^m)^n = a^{mn}$$

$$\frac{a^m}{a^n} = a^{m-n}$$

طبق نکته، داریم:

$$\frac{(a^{-\frac{2}{3}})^{-18}}{(a^3)^{-18}} = \frac{a^{12}}{a^{-6}} = a^{12-(-6)} = a^{18}$$

پاسخ: گزینه ۱

▲ مشخصات سؤال: ساده \* ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۳)

نکته: اگر  $n \geq 2$  یک عدد طبیعی باشد، b را یک ریشه nام عدد a می‌نامیم، هرگاه  $b^n = a$ . همچنین  $\sqrt[n]{a}$ ، وقتی n زوج است، ریشه nام مثبت عدد a است.

$$\sqrt[3]{2^{15}} = 2^{\frac{15}{3}} = 2^5 = 32$$

ریشه سوم عدد  $2^{15}$  برابر است با:

$$\sqrt[5]{2^{15}} = 2^{\frac{15}{5}} = 2^3 = 8$$

ریشه پنجم عدد  $2^{15}$  برابر است با:

$$32 - 8 = 24$$

اختلاف دو مقدار بالا برابر است با:

پاسخ: گزینه ۳

▲ مشخصات سؤال: متوسط \* ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۳)

نکته:

$a \geq 0$	n زوج باشد.	ریشه nام a = $\sqrt[n]{a}, -\sqrt[n]{a}$
	n فرد باشد.	ریشه nام a = $\sqrt[n]{a}$
$a < 0$	n زوج باشد.	ریشه ندارد.
	n فرد باشد.	ریشه nام a = $\sqrt[n]{a}$

ریشه‌های دوم عدد x، دو عدد  $\sqrt{x}$  و  $-\sqrt{x}$  هستند که جمع‌شان صفر است، پس جمع  $a+2$  و  $a-5$  باید صفر باشد:

$$a+2+a-5=0 \Rightarrow 2a=3 \Rightarrow a=\frac{3}{2}$$

عدد  $20a$  برابر است با:

$$20 \times \frac{3}{2} = 30$$

$$\sqrt[3]{27} < \sqrt[3]{30} < \sqrt[3]{64} \Rightarrow 3 < \sqrt[3]{30} < 4$$

ریشه سوم ۳۰ برابر با  $\sqrt[3]{30}$  است. از آنجایی که  $27 < 30 < 64$ ، پس:

۳۰ به ۲۷ خیلی نزدیک‌تر است تا ۶۴، پس  $\sqrt[3]{30}$  به ۳ نزدیک‌تر است تا به ۴.

نکته (خواص توان): (m و n اعداد حقیقی و a و b اعداد حقیقی مثبت مخالف هستند).

$$a^{-\frac{m}{n}} = \frac{1}{a^{\frac{m}{n}}}$$

$$(a^m)^n = a^{mn}$$

$$a^{\frac{m}{n}} = \sqrt[n]{a^m}$$

$$\frac{a^m}{a^n} = a^{m-n}$$

ابتدا طرفین معادله را ساده می‌کنیم:

$$\left(\frac{1}{9}\right)^{-x} = 9^x = (3^2)^x = 3^{2x}$$

$$(\sqrt{27})^{\frac{2}{3}} = (\sqrt{3^3})^{\frac{2}{3}} = (3^{\frac{3}{2}})^{\frac{2}{3}} = 3$$

حال معادله را حل می‌کنیم:

$$3^{2x} = \frac{3^x}{3^1} \Rightarrow 3^{2x} = 3^{x-1} \Rightarrow 2x = x-1 \Rightarrow x = -1$$

حال با جای‌گذاری مقدار x در عبارت خواسته شده داریم:

$$(3-x)^{\frac{x}{2}} = 4^{-\frac{1}{2}} = \frac{1}{4^{\frac{1}{2}}} = \frac{1}{\sqrt{4}} = \frac{1}{2}$$

در نظر ابن سینا، عالم طبیعت با عالم ماورای طبیعت دارای پیوند است؛ زیرا خداوند خالق این عالم است. حال اگر دانشمندان علوم طبیعی، بتوانند در کنار کشف رمز و رازهای پیچیده طبیعت، به خالق این عالم نیز توجه کنند، پی به توانایی مطلق خالق می‌برند و در برابر او به خشوع و خشیت می‌رسند.

گزینه ۱: خداوند مستقیماً موجودات را به سمت کمالشان نمی‌برد؛ بلکه طبع و ذات هر شیء، او را به سوی کمالش سوق می‌دهد و خداوند این طبایع و ذات را ایجاد کرده است.

گزینه ۲: خیر! ذات و طبع عالم طبیعت به‌عنوان یک کل، چیزی غیر از ذات و طبع مجموع اشیای طبیعی است.

گزینه ۴: در نظر ابن سینا، عالم طبیعت به‌صورت مستقل نیز نظام احسن است. البته ما از ارتباط آن با لطف و عنایت خداوند که موجودی ماوراءالطبیعی است، پی به احسن بودن این نظام می‌بریم ولی راه پی بردن به احسن بودن نظام با خود احسن بودن آن متفاوت است. نظام طبیعت به‌عنوان یک کل، خودش به بهترین شکل به سوی کمال حرکت می‌کند.

در فلسفه اشراق، عالم ماده یا مغرب کامل بهره‌ای از نور ندارد.

گزینه ۲: مخلوقات سایه نیستند؛ بلکه هر موجودی نور است؛ اما نه نور مطلق.

گزینه ۳: میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که ترکیبی از نور و ظلمت است.

گزینه ۴: نورانیت محض فقط از آن خالق هستی یا همان نورالانوار است.

برای اشتباه نکردن، راهکار مناسب این است که ابتدا قسمت اول همه گزینه‌ها سپس قسمت دوم همه بررسی شود:

قسمت اول: (به دنبال سازگاری هستیم)

گزینه ۱: ویژه شیخ اشراق است که همه موجودات را نور می‌داند. ولی ابن سینا موجودات را حقایق و وجودهای متباین به حساب می‌آورد. \*

گزینه ۲: در مورد هر دو، درست است. ✓

گزینه ۳: ویژه شیخ اشراق است. \*

گزینه ۴: حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی مانند ابن سینا عبارت است از: «فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می‌آورد... و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی تبدیل می‌شود». از آنجاکه اساساً فلسفه، وجودشناسی

به صورت عقلی است، این مطلب با دیدگاه شیخ اشراق نیز هم‌خوانی و سازگاری دارد. ✓

قسمت دوم: (به دنبال ناسازگاری هستیم)

توجه: با توجه به رد گزینه‌های ۱ و ۳ می‌شد فقط گزینه‌های ۲ و ۴ را بررسی کنیم، ولی به جهت اهداف آموزشی و نیز اطمینان از درستی پاسخ، باید همه گزینه‌ها بررسی شوند.

گزینه ۱: هر دو معتقدند. \*

گزینه ۲: هیچ‌کدام چنین کاری نمی‌کنند. شیخ اشراق اگرچه از شهود در فلسفه بهره می‌برد، اما در نظام فلسفی‌اش، به آنچه شهود کرده استناد نمی‌کند، بلکه می‌کوشد آنچه را شهود کرده، به صورت استدلال عقلی تبیین کند. بنابراین چنین امری از اشتراکات دیدگاه‌های

دو فیلسوف است. \*

گزینه ۳: فقط سهروردی قبول دارد. ابن سینا خلقت را از طریق اشراق نمی‌داند. ✓

گزینه ۴: این مطلب، نظر اختصاصی شیخ اشراق است که از مفهوم نور به جای مفهوم وجود استفاده می‌کند و موجودات را بر اساس مراتب و درجات مختلف نور توضیح می‌دهد. بنابراین اختلاف موجودات به شدت و ضعف و رتبه نورانیت آن‌ها برمی‌گردد. ✓

هرگاه جامعه از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه می‌افکند.

گزینه ۱: منظور از حکومت واقعی، تشکیل حکومت ظاهری است، اما گاهی حکیم متأله در ظاهر حاکم نیست.

گزینه ۳: چنین شرطی از سخن سهروردی برداشت نمی‌شود؛ بلکه ظاهراً او حکیمان اشراقی از جمله خودش را دارای چنین مقامی می‌داند.

گزینه ۴: موظف نیست در هر شرایطی خود را به مردم معرفی کند؛ بلکه گاهی در نهایت گمنامی است.

در نگاه ابن سینا نظام عالم چون از لطف و عنایت خداوند سرچشمه گرفته است، بهترین نظام ممکن و نظام احسن است.

گزینه ۱: تأمل در رابطه طبیعت با ماورای طبیعت و خدا در کنار تحقیق در رابطه میان پدیده‌های طبیعی، باعث خضوع دانشمند می‌شود.

گزینه ۲: شر، واقعی نیست و تأثیر منفی در حرکت کمالی کل عالم طبیعت ندارد ولی در نگاه جزءنگر، ممکن است مانعی در مقابل راه کمال

یک پدیده باشد و نسبت به آن پدیده شر محسوب شود.

گزینه ۳: وی اشیاء را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نشأت گرفته از خداوند می‌داند.

از نظر سهروردی، جویندگان معرفت چهار دسته‌اند. در مورد گروه دوم می‌گوید: «تحقیق فلسفی که فقط متکی به شیوه استدلالی محض باشد و نتواند به قلب برسد، بی‌نتیجه است» و در مورد گروه سوم می‌گوید: «سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می‌باشد».

گزینه ۲: بهرمندی از انوار عقلی مربوط به روش اشراقی و سلوک روحانی است. ضمن اینکه مقصود از گمراه کننده بودن شهود بدون استدلال، این نیست که عارفان غیرفیلسوف، لزوماً گمراه هستند؛ بلکه منظور این است که احتمال گمراهی وجود دارد؛ زیرا بعضی شهودها انسان را به راه نادرست سوق می‌دهند.

گزینه ۳: ریاست تامه مربوط به گروه چهارم است که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند.

گزینه ۴: قسمت اول، در مورد گروه نخست یعنی آنان که به تازگی شوق معرفت یافته‌اند و جوایب آن‌اند درست است، نه در مورد گروه سوم که مورد نظر سؤال است.

با توجه به جغرافیای عرفانی سهروردی، جایگاه هر کدام از موجودات زیر در کدام امور بیان شده است؟

- فرشتگان مقرب      • نفس انسانی      • عالم ماده
- (۱) مشرق - مغرب وسطی - مغرب کامل  
(۲) مشرق - مغرب کامل - مغرب کامل  
(۳) مغرب وسطی - مشرق - مغرب وسطی  
(۴) مغرب وسطی - مغرب وسطی - مغرب کامل

### پاسخ: گزینه ۱

(فلسفه دوازدهم - درس ۱۰)



**پاسخ تشریحی** در جغرافیای عرفانی سهروردی، شرق جهان نور محض یا محل فرشتگان مقرب است. مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از نور ندارد. در میان مشرق و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته‌اند (موجوداتی مثل انسان، نفس انسانی و ... در مغرب وسطی هستند).

## تست و پاسخ ۵۵

بنا بر نظر سهروردی سایه فکندن ظلمت و تاریکی بر جامعه، در گرو چیست؟

(۱) هرگاه امام تآله از راه قهر و غلبه به ریاست جامعه برسد.

(۲) زمانی که خدا اشراق و پرتوافشانی خود را از جهان برگرد.

(۳) زمانی که جایی برای تدبیر حکیم الهی باقی نماند.

(۴) زمانی که فلاسفه به اشراق و شهود روی نیاورند.

## پاسخ: گزینه ۲

(فلسفه دوازدهم - درس ۱۰)

### درس نامه

- دسته‌بندی جویندگان معرفت از نظر سهروردی
- (۱) آنان که به تازگی شوق معرفت یافته‌اند و جویای آن هستند.
  - (۲) آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده‌اند، ولی از ذوق و عرفان بهره‌ای ندارند ← مثل فلاسفه مشاء که شهود را وارد فلسفه خود نمی‌کنند.
  - (۳) آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می‌کنند و به شهودهایی دست یافته‌اند ← مثل عرفا.
  - (۴) آنان که هم در صور برهانی (استدلال) به کمال رسیده‌اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند. ← اینان حکیم متأله‌اند (حکیم الهی شده) و بهترین دسته به حساب می‌آیند.
- اگر حکیمی فرق در تآله بوده ← ریاست تآله دارد.  
و در بحث نیز استاد باشد. ← خلیفه و جانشین خداست.
- گفتار شیخ اشراق ← جهان هیچ‌گاه از چنین حکیمی خالی نمی‌شود ← زیرا خلافت الهی ضروری است.  
درباره دسته چهارم ← خلیفه الهی امور و حقایق را بی‌واسطه از حق تعالی دریافت می‌کند.  
منظور ریاست از راه قهر و غلبه نیست.  
ریاست تامه ← امام تآله گاه در ظاهر حاکم است و گاه به طور نهانی.  
اگر ریاست واقعی جامعه به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان می‌شود.

**پاسخ تشریحی** زمانی که ریاست جامعه به دست امام تآله بیافتد، زمان وی بس نورانی و درخشان خواهد بود و هرگاه جامعه از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.

## تست و پاسخ ۵۶

وجه تسمیه حکمت اشراق با توجه به بیانات قطب‌الدین رازی، چیست؟

(۱) تفاوت موجودات به شدت و ضعف اشراق الهی بازمی‌گردد.

(۲) ظهور انوار عقلی و تابش آن‌ها بر نفس انسان‌های کامل.

(۳) نورافشانی و اشراق پیوسته ذات نخستین.

(۴) اهمیت‌داشتن اشراق و شهود عارفانه در دین.

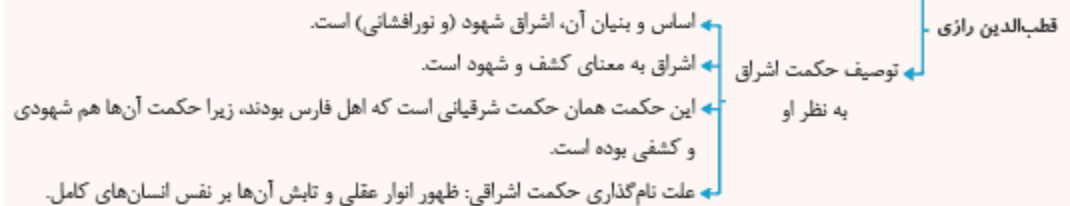
## پاسخ: گزینه ۲

(فلسفه دوازدهم - درس ۱۰)



## درس نامه

از پیروان حکمت اشراق است.



**پاسخ تشریحی** اشراق به معنای پرتوافشانی و نورافشانی است. در حکمت اشراق، امور عقلی مثل نور یا همان پرتو نور بر نفس انسان (که

شهود می‌کند) می‌تابد.

می‌دانیم که حکمت اشراق، حاصل کنار هم قرار گرفتن استدلال عقلی و شهود است.

## تست و پاسخ ۵۷

کدام گزینه روش مطالعه طبیعت از نظر ابن سینا و علوم تجربی جدید را به طور کامل مقایسه کرده است؟

(۱) در علوم تجربی جدید هم مثل ابن سینا روابط میان پدیده‌ها بررسی می‌شود، اما در رابطه طبیعت با ماوراء توجهی نمی‌شود.

(۲) ابن سینا می‌تواند وجود شرور در عالم طبیعت را توجیه کند، اما علوم تجربی جدید هیچ اهمیتی برای آن‌ها قائل نیست.

(۳) مبنای اصلی ابن سینا برخلاف علوم تجربی جدید، مطالعه رابطه طبیعت با خدا بود، نه روابط میان پدیده‌ها.

(۴) علوم تجربی جدید مثل پیروان ابن سینا، به دنبال عبور از ظاهر پدیده‌ها با بررسی روابط آن‌ها است.

## پاسخ: گزینه ۱

(فلسفه دوازدهم - درس ۱۰)

**پاسخ تشریحی** از نظر ابن سینا تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا (تفاوت ابن سینا با علوم تجربی جدید)، در کنار تحقیق در

روابط میان پدیده‌ها (تشابه ابن سینا با علوم تجربی جدید)، روش درست مطالعه طبیعت است.

**نکته** دقت کنید آنچه موجب تفاوت ابن سینا در طبیعیات با علوم تجربی جدید است، بررسی رابطه پدیده‌های طبیعی با خدا (ماوراء) است.

## ۵۸ - پاسخ: گزینه ۲

▲ مشخصات سؤال: دشوار \* علوم و فنون ادبی ۲ درس ۶ و علوم و فنون ۳ درس ۹

(د) مجاز: «نان» مجاز از رزق و روزی است.

(ب) ایهام: «مشتی» (۱) سیاره مشتری بهای خرید روی تو را ندارد (تشبیه مرجح) یعنی روی تو از سیاره مشتری زیباتر است (۲) خریداری بهای خرید روی تو را ندارد.

(ج) اغراق: اغراق در باریکی کمر یار

(الف) ایهام تناسب: «روی» در این بیت به معنی «چهره» است و در صورت تناسب با «آهن» فلز روی تداعی می‌شود.

آرایه‌های «استعاره، ایهام، پارادوکس و لَف و نشر» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف) ای که از دفتر حسنت مه تابان بابی است / آتش روی تو در عین لطافت آبی است  
 ب) همچو زلف سیه و روی جهان‌افروزت / نتوان دید شبی تیره و مهتابی خوش  
 ج) ابرویش خم به کمان ماند و قد راست به تیر / کس ندیدم که چنین تیر و کمانی دارد  
 د) ای کرده ماه را از تیره‌شب، نقاب / در شب فکنده چین، بر مه فکنده تاب

۱) ب - الف - د - ج      ۲) ب - د - الف - ج      ۳) د - ج - الف - ب      ۴) د - الف - ج - ب

پاسخ: گزینه ۳ (علوم و فنون ادبی نازدهم - درس ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۶ و ۹)

**پاسخ: گزینه ۳**

**مشاوره:** برای تسلط بیشتر بر آرایه‌های ادبی، درس مربوط به هر آرایه را در یکی از کتاب‌های «علوم و فنون ادبی جامع یا هفت خان آرایه یا جمع‌بندی علوم و فنون خیلی سبز، مطالعه کنید.

**درس نامه**

استعاره، استعاره تشبیه بسیار فشرده‌ای است که در آن، گوینده مشبّه‌به یا مشبّه را همراه با نشانه یا قرینه‌ای در جمله به کار می‌برد؛ بر این اساس که مشبّه‌به یا مشبّه در سخن آمده باشد. استعاره بر دو گونه است:

الف) استعاره مصرّحه (آشکار).

منظور از مصرّحه یا آشکار آن است که مشبّه‌به در سخن، آشکار و نمایان است، بنابراین هرگاه گوینده مشبّه‌به را همراه با قرینه یا نشانه‌ای در سخن بیاورد، با استعاره مصرّحه (آشکار) روبرو هستیم.

در بیت زیر، شاعر در ذهن خود، ستاره‌ها را به «نرگس» و خورشید را به «گل زرد» تشبیه کرده و از این تشبیهات ذهنی، تنها مشبّه‌به‌ها را در سخن آورده است:

«هزاران نرگس از چرخ جهانگرد / فروشد تا برآمد یک گل زرد»

و در بیت زیر، به ترتیب: چشم را به «نرگس تر»، گونه‌ها را به «لاله» و اشک را به «مروارید» تشبیه کرده و از این تشبیهات ذهنی، تنها مشبّه‌به‌ها را در سخن خود آورده است:

«گفتا که مرو به غربت و می‌بارید / از نرگس تر به لاله بر مروارید»

روش تشخیص استعاره مصرّحه،

برای تشخیص استعاره مصرّحه یا آشکار، اسم‌هایی را که در بیت آمده، بررسی می‌کنیم تا ببینیم آیا در معنی حقیقی و رایج خود به کار رفته‌اند یا خیر. در بیت زیر اسم‌هایی چون «برف»، «پژ زاغ»، «بلبل» و «باغ» آمده است:

«مرا برف باریده بر پژ زاغ / شاید چو بلبل تماشای باغ»

با بررسی این اسم‌ها می‌بینیم که «برف» و «پژ زاغ» در مصراع اول را نمی‌توانیم در معنی حقیقی آن‌ها در نظر بگیریم بلکه با توجه به مفهوم بیت، به ترتیب استعاره از موهای سفید و موهای سیاه شاعر هستند.

ب) استعاره مکنّیه (پوشیده).

در این نوع استعاره، مشبّه همراه با ویژگی یا جزئی از مشبّه‌به می‌آید، بنابراین منظور از استعاره مکنّیه یا پوشیده، پوشیده و پنهان بودن مشبّه‌به است؛ لذا همواره ویژگی یا نشانه‌ای از مشبّه‌به در سخن وجود دارد که ما را به وجود فرایند تشبیه، راهنمایی می‌کند.

در جمله «چهره‌اش از شادی شکفت» فعل «شکفت» ما را راهنمایی می‌کند که «چهره» به «گل» تشبیه شده است؛ یعنی: چهره‌اش از شادی [مانند گل] شکفت.

استعاره مکنّیه، معمولاً به صورت‌های زیر، در سخن دیده می‌شود:

۱) مشبّه + گزاره یا فعل مربوط به مشبّه‌به.

به صحرا شدم، عشق باریده بود (فعل «باریده بود» ویژگی مشبّه‌به (باران / برف) است که به مشبّه (عشق) نسبت داده شده؛ بنابراین عشق در ذهن گوینده به باران یا برف تشبیه شده است).

۲) عضو یا ویژگی مشبّه‌به + + مشبّه (اضافه استعاری).

ما ابروی فقر و قناعت نمی‌بریم («ابرو» ویژگی مشبّه‌به (انسان) است که به مشبّه (فقر و قناعت) نسبت داده شده؛ بنابراین، فقر و قناعت در ذهن شاعر به انسان تشبیه شده است).

۳) نسبت دادن صفت مشبّه‌به به مشبّه.

نار خندان، باغ را خندان کند (صفت «خندان» ویژگی مشبّه‌به (انسان) است که به مشبّه (نار و باغ) نسبت داده شده؛ بنابراین، نار (نار) و باغ در ذهن شاعر به انسان تشبیه شده‌اند).

#### ۴) منادا واقع شدن مشبّه غیرانسان.

منادا واقع شدن، ویژگی انسان است؛ هرگاه یک موجود غیرانسان، منادا واقع شود، با استعارهٔ مکنّیه روبه‌رو هستیم، زیرا در ذهن گوینده به انسان تشبیه شده است که می‌تواند منادا واقع شود و مورد خطاب قرار گیرد:

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی (باد بامدادی، منادا شده است؛ بنابراین در ذهن شاعر، باد بامدادی به انسان تشبیه شده است).

**نکته** در استعارهٔ مکنّیه، معمولاً مشبّه، انسان است. هرگاه در استعارهٔ مکنّیه، ویژگی انسانی به مشبّه نسبت داده شود، استعارهٔ مکنّیه را «تشخیص» می‌گویند.

روش تشخیص استعارهٔ مکنّیه.

برای تشخیص استعارهٔ مکنّیه، بررسی می‌کنیم آیا نسبت‌دادن واژه‌های سخن به یکدیگر، حقیقی است یا براساس تشبیه و تخیل؛ مثلاً در مصراع: «مهرش به جان می‌کاشتم تا بر دهد مهر و وفا» فعل «می‌کاشتم»، به‌صورت تخیلی و غیرحقیقی به «مهر» نسبت داده شده و این فعل ما را راهنمایی می‌کند که «مهر» در ذهن گوینده به «دانه» یا «نهالی» تشبیه شده است که آن را می‌کارند تا بزرگ و بارور شود؛ هم‌چنین است «کاشتن مهر» در بیت:

«هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید / در رهگذار باد نگهبان لاله بود»

پارادوکس (متناقض‌نما)، نسبت‌دادن دو مفهوم متضاد به یکدیگر یا به یک چیز، به‌گونه‌ای که وجود یکی، دیگری را نقض کند، هم‌چنین

نسبت‌دادن مفهوم یا کاری، به چیزی که با آن ناسازگار و متضاد باشد.

در بیت زیر، دو مفهوم متضاد «حاضر» و «غایب» به یکدیگر نسبت داده شده‌اند:

«هرگز وجود حاضر و غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است»

و در مصراع دوم بیت زیر، مفهوم «برافروختن (روشن کردن) چراغ» به «باد» نسبت داده شده، در حالی که با آن ناسازگار و متضاد است؛ چون باد، مایهٔ خاموشی چراغ است:

«ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی / از این باد ار مددخواهی، چراغ دل برافروزی»

تفاوت پارادوکس و تضاد.

در پارادوکس، دو مفهوم متضاد، هم‌زمان به یک چیز یا به یکدیگر نسبت داده می‌شود ولی در تضاد، دو واژهٔ متضاد، جدا از یکدیگر در سخن به کار می‌روند. برای نمونه در مصراع اول بیت زیر، دو واژهٔ «شادی» و «غم» با یکدیگر تضاد دارند، چون «غم» با شاعر و «شادی» با رخ یار پیوند دارد؛ ولی در مصراع دوم، «شادمانی کردن با غم» پارادوکس ایجاد می‌کند:

«می‌خورم جام غمی، هر دم به شادی زخت / خرم آن کس کاو بدین غم شادمانی می‌کند»

**پاسخ تشریحی** پاسخ‌گویی به این سؤال را با آرایهٔ «پارادوکس» یا «لف و نشر» که ساده‌تر هستند، شروع می‌کنیم؛ با توجه به گزینه‌ها،

«پارادوکس» برای ابیات «الف»، «ج» و «د» پیشنهاد شده است.

در مصراع دوم بیت «الف»، «آتش» و «آب» که متضاد هم هستند، به یکدیگر نسبت داده شده‌اند؛ پس پارادوکس داریم.

در بیت‌های «ج» و «د» پارادوکس دیده نمی‌شود؛ پس ۱) و ۲) رد می‌شوند و ۳) باقی می‌مانند.

اکنون آرایهٔ «لف و نشر» را در بیت‌های «ب» و «ج» بررسی می‌کنیم و می‌بینیم که در هر دو بیت، لَف و نشر وجود دارد:

در بیت «ب»، «زلف سیه» و «روی جهان‌افروز» به‌ترتیب با «شبی تیره» و «مهتابی خوش» ارتباط تشبیهی دارند و در بیت «ج»، «ابرو» و «قد» به‌طور نامرتب با «تیر» و «کمان» در مصراع دوم پیوند تشبیهی دارند؛ پس با لَف و نشر هم به جواب نمی‌رسیم و ناچاریم آرایهٔ «استعاره» یا «ایهام» را در بیت‌های «ب» و «د» بررسی کنیم.

در بیت «ب» استعاره نداریم، چون همان‌طور که گفته شد، «زلف سیه» و «روی جهان‌افروز» به‌ترتیب به «شبی تیره» و «مهتابی خوش» تشبیه شده‌اند؛ ولی در بیت «د» واژه‌های «ماه» و «شب» به‌ترتیب، استعاره از «روی» و «زلف» یار است.

بنابراین جواب، ۳) است و برای اطمینان بیشتر، آرایهٔ «ایهام» را در بیت «ج» بررسی می‌کنیم؛ از واژهٔ دوم‌معنایی «راست» می‌توان معانی «راست و استوار» و «دقیق و درست» را دریافت کرد؛ پس ایهام دارد.

**تکنیک** برای پاسخ‌دادن به این‌گونه سؤالات، با آرایهٔ ساده‌تر شروع می‌کنیم تا با رد گزینه به پاسخ برسیم.

**دام تستی** در هر دو بیت «ب» و «ج» که برای «لف و نشر» پیشنهاد شده است، لَف و نشر وجود دارد و در بیت «ب» اگر به تشبیه نرفته

توجه نکنیم، ممکن است «شبی تیره» و «مهتابی خوش» را به‌ترتیب استعاره از «زلف» و «روی» یار بگیریم در حالی که این «مشبّه‌ها» در مصراع اول آمده‌اند و آرایهٔ «تشبیه» ساخته‌اند.

آرایه‌های مقابل کدام بیت، «هر دوه درست هستند»؟

- ۱) در حسن بی‌نظیری در لطف بی‌نهایت
- ۲) راستی گرچه به بالای تو می‌ماند سرو
- ۳) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
- ۴) ای روی دلاریست مجموعه زیبایی

**پاسخ: گزینه ۲** (علوم و فنون ادبی دهم - درس ۹ و ۱۱ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۶، ۳ و ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۶، ۳ و ۹)

**مشاوره** برای تسلط بیشتر بر آرایه‌های ادبی، درس مربوط به هر آرایه را در کتاب «علوم و فنون ادبی جامع یا هفت‌خان آرایه یا جمع‌بندی علوم و فنون خیلی‌سبز» مطالعه کنید.

**پاسخ تشریحی** در بیت ۱) واژه‌های دومی «مهر» و «عهد» دیده می‌شوند؛ اما از هر کدام، تنها یک معنی آن، قابل پذیرش است؛ «مهر» همان محبت و «عهد»، عهد و پیمان است؛ اما واژه‌های دو مصراع با یکدیگر سجع متوازن دارند و آرایه «موازنه» در بیت دیده می‌شود. در بیت ۲) در مصراع اول، «تشبیه» وجود دارد؛ اما «سرو روان» در مصراع دوم، «استعاره مصرحه» نیست و در معنای حقیقی (درخت سرو) به کار رفته است (می‌گوید: نمی‌توان قد تو را با درخت سرو خرامان، مقایسه کرد). در بیت ۳) واژه «سر» مجاز از «قصد و اندیشه» است و شاعر مصراع اول را از سعدی تضمین کرده است؛ پس پاسخ، ۳) است (بیت سعدی در درس ششم از علوم و فنون ادبی ۲ آمده است: «سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی»). در بیت ۴) واژه‌های «مجموعه» و «مجموع» به معنی «آسوده و خاطر جمع» جناس دارند؛ اما وجود واژه‌های متضاد «مجموع» و «پیشان» در مصراع دوم، پارادوکس ایجاد نکرده است، زیرا جدا از یکدیگر به کار رفته‌اند (می‌گوید: فرد آسوده، غمی از من که پریشانم ندارد).

**تکنیک** کافی است در هر گزینه، یک آرایه غلط را بیابید تا با آن ردّ گزینه بکنید.

در ابیات زیر به ترتیب، کدام آرایه‌ها یافت می‌شوند؟

- الف) ندارد با تو بازاری مگر شوریده اسراری
  - ب) گر دلبرم به یک شکر از لب، زبان دهد
  - ج) تا روان دارم روان دارم حدیثش بر زبان
  - د) چه شب است یا رب امشب که ستاره‌ای برآمد
- ۱) جناس ناهمسان، تشبیه، مجاز، لَف و نشر
  - ۲) واژه‌آرایی، استعاره، کنایه، مراعات نظیر

- که مهرش در میان جان و مهرش بر دهان باشد
- مرغ دلم ز شوق، به شکرانه جان دهد
- سنگ‌دل گوید که یاد یار سیمین‌تن مکن
- که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم

- ۲) کنایه، مجاز، جناس ناهمسان، ایهام تناسب
- ۴) کنایه، اغراق، جناس همسان، لَف و نشر

**پاسخ: گزینه ۲** (علوم و فنون ادبی دهم - درس ۱۲ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۶ و ۱۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۹)

**مشاوره** برای تسلط بیشتر بر آرایه‌های ایهام تناسب و جناس همسان، فهرست واژه‌های دو یا چند معنایی را در درس‌نامه سؤال ۲۹ مطالعه کنید.

### درس‌نامه

مجاز، کاربرد یک اسم به جای اسم دیگر است؛ به گونه‌ای که میان آن دو اسم، یکی از رابطه‌های جزئی، کلیه، محلیه (جایگاهی)، جنسیه، سببیه، آلیه (بزاری)، شباهت و ... وجود داشته باشد. اگر رابطه دو اسم «شباهت» باشد، آن را استعاره می‌نامیم و دیگر رابطه‌ها را مجاز می‌گوییم. در بیت زیر، واژه «عالم» با رابطه محلیه (جایگاهی) مجاز از مردم عالم و واژه «ترگس» با رابطه شباهت، مجاز یا استعاره از چشم یار است: «عالم از شور و شر عشق، خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان، ترگس جادوی تو بود»

کنایه، در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح ادبی آن است که ترکیب یا عبارتی در معنایی غیر از معنای ظاهری خود به کار رفته باشد؛ مثلاً در بیت: «هنوز از دهن بوی شیر آیدش / همی رأی شمشیر و تیر آیدش»، «هنوز بوی شیر از دهنش می‌آید» یعنی «هنوز کودک و خردسال است».

در بیت زیر، «سر به بیابان نهان» کنایه از «دیوانگی و آشفته‌حالی» است:

«عاقبت سر به بیابان بنهد چون سعدی / هر که در سر هوس چون تو غزالی دارد» و در بیت زیر، «موشکافی» کنایه از «دقیق شدن» و «سر از پا ندانستن یا نشناختن» کنایه از «با شور و شوق رفتن» است:

«موشکافی را رواجی نیست در بازار عشق / هر که سر از پا نمی‌داند در این سودا سر است»

**نکته** علاوه بر عبارتهای کنایی، گاه صفتی به کار می‌رود که باید از آن متوجه صفت دیگری شد، مثلاً:

صفت «سیه‌کاسه» در بیت‌های زیر کنایه از «بخیل و خسیس» است:

«دهر، سیه‌کاسه‌ای است، ما همه مهمان او / بی‌نمکی تعبیه است در نمک‌خوان او»  
«برو از خانه گردون به در و نان مطلب / کان سیه‌کاسه در آخر بکشد مهمان را»

تفاوت کنایه و مجاز:

مجاز کاربرد یک اسم به جای اسم دیگر است، به‌گونه‌ای که میان آن دو اسم، یکی از رابطه‌های جزئی، کلیه محلیه، جنسیه، آلیه (بزاری)، شباهت و ... وجود داشته باشد. در بیت زیر واژه «پولاد» مجاز از «شمشیر» است که هر دو از نظر دستور زبان، اسم هستند:

«در آن باران تیر و برق پولاد / میان شام رستاخیز می‌گشت»

یا در بیت زیر، واژه «نرگس» مجاز از «چشم» است و هر دو اسم هستند:

«من آن فریب که در نرگس تو می‌بینم / بس آب روی که با خاک ره برآمیزد»

اما کنایه معمولاً عبارت (جمله)، صفت و گاهی اسمی غیرساده است؛ نمونه:

آب از دست نچکیدن: کنایه از خسیس بودن / پخته‌خوار: کنایه از تنبل و بی‌مسئولیت / موشکافی: کنایه از دقیق شدن و ... چنان‌که می‌بینید، در کنایه معمولاً علاوه بر معنای کنایی (معنای دور)، یک معنای نزدیک و ظاهری هم وجود دارد که نشانه، نمونه یا دلیلی برای معنای کنایی است؛ مثلاً «سپرانداختن» در جنگ نشانه تسلیم شدن یا «پخته‌خوار» و «آماده‌خور بودن»، نمونه‌ای برای آدم‌های تنبل و بی‌مسئولیت است و «موشکافی» نمونه‌ای از دقت زیاد در کارهاست.

### پاسخ تشریحی

در بیت «الف» هر دو آرایه «جناس ناهمسان» (مهر و مَهر) و «کنایه» (مَهرش بر دهان باشد: سکوت اختیار کند) که در (۱)، (۲) و (۴) پیشنهاد شده است، دیده می‌شود ولی «واژه‌آرایی» (تکرار واژه) در بیت دیده نمی‌شود؛ پس (۳) رد می‌شود.

در بیت «ب» واژه «زبان» مجاز از «قول» است؛ ترکیب «مرغ دلم» اضافه تشبیهی است و اغراق در مصراع دوم را نمی‌توان به طور قطعی رد کرد؛ پس هیچ گزینه‌ای رد نمی‌شود.

در بیت «ج» واژه «رون» با دو معنی «جان» و «جاری» تکرار شده و «جناس همسان» پدید آورده است؛ همچنین واژه‌های «یاد» و «یار» در مصراع دوم «جناس ناهمسان» پدید آورده‌اند.

واژه مرگب «سنگ‌دل» تشبیه درون‌واژه‌ای دارد و کنایه از «بی‌رحم و نامهربان» است.

در بیت «د» بین واژه‌های «شب»، «ستاره» و «ماه» مراعات نظیر وجود دارد اما «لف» و «نشر» دیده نمی‌شود؛ پس (۱) و (۴) نیز رد می‌شوند.

با توجه به این‌که (۱)، (۲)، (۳) و (۴) رد شده‌اند، پاسخ (۲) است؛ ولی برای اطمینان بیشتر، «ایهام تناسب» در بیت «د» را بررسی می‌کنیم: واژه «مهر» در معنای «محبت» پذیرفتنی است و معنای دیگرش (خورشید) با «ستاره»، «ماه» و «خورشید» ایجاد تناسب می‌کند.

### تکنیک

برای پاسخ‌دادن به این‌گونه سؤالات با توجه به آرایه‌های پیشنهادی در هر گزینه، بیت‌های متناظر با آرایه‌های ساده‌تر را انتخاب و بررسی می‌کنیم و با رد آرایه‌های نادرست به جواب می‌رسیم.

### دام تستی

در این‌گونه سؤالات ترتیبی، گاهی دو یا سه آرایه پیشنهاد شده در یک بیت دیده می‌شود، مثلاً در بیت «الف» هر دو آرایه «جناس ناهمسان» و «کنایه» وجود دارد و در بیت «ج» هر دو نوع «جناس همسان» و «جناس ناهمسان» دیده می‌شود؛ پس باید دیگر بیت‌ها یا گزینه‌ها را هم بررسی کنیم.

## تست و پاسخ ۶۲

ابیات زیر را با توجه به داشتن آرایه‌های تشبیه، استعاره مصرحه، مجاز، کنایه و تشخیص، از راست به چپ مرتب کنید.

الف) دل چو سنگ خاره شد ای پور عمران با عصا	چشمه‌ها زین سنگ خارا کن کمال این است و بس
ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه	زبانم را بیانی آتشین ده
ج) اولاً تجرید شو از هر چه هست	وانگهی از خود بشو یک بار دست
د) با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی	باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد
ه) مشکن دلم که حقه راز نهان توست	ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد

۱- ه- ج- ب- الف- د      ۲- د- الف- ه- ج- ب      ۳- د- ه- ج- ب- الف      ۴- ه- ج- الف- د- ب

(علوم و فنون ادبی یازدهم - دروس ۳، ۹، ۶ و ۱۳)

### پاسخ: گزینه ۲

**پاسخ تشریحی** الف) سنگ خاره: استعاره مصرّحه از «دل» است؛ این موضوع را با توجه به مصراع اول درمی‌یابیم.

ب) دل که جبین (پیشانی) دارد: تشخیص دارد.

ج) بشو یک بار دست (دست‌شستن) کنایه از ترک و رها کردن است.

د) او به رنگ شمع: تشبیه دارد («به‌رنگ» در این جا ادات تشبیه است).

ه) کف: مجاز از دست است.

**تکنیک** یکی از آرایه‌های ساده‌تر (در این جا، تشخیص یا تشبیه) را انتخاب کنید و با گزینه‌ها مطابقت بدهید تا یکی دو گزینه حذف

شود؛ سپس با آرایه‌های دیگر ادامه دهید تا به جواب برسید.

## تست و پاسخ ۶۳

آرایه‌های روبه‌روی ابیات، همه درست است: به‌جز:

۱) ز خاک رسته لاله‌ها چو بُتدین پیاله‌ها

۲) دیگر از آن جانیم نماز نباشد

۳) خرد زنده جاودانی شناس

۴) صوفی بیا که آینه صافی است جام را

به برگ لاله زاله‌ها چو در شفق ستاره‌ها (جناس، سجع)

گر تو اشارت کنی که قبله چنین است (مراعات نظیر، ایهام)

خرد مایه زنگانی شناس (توصیف، تکرار)

تا بنگری صفای می لعل فام را (تشبیه، اشتقاق)

**پاسخ: گزینه ۲** (علوم و فنون ادبی دهم - دروس ۳، ۶، ۹ و ۱۲ / علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - دروس ۳ و ۹)

**درس نامه** «اشتقاق» میان واژه‌هایی شکل می‌گیرد که هم‌ریشه باشند؛ مثلاً واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، اشتقاق دارند:

«لب می‌لالی به شعری که ندارد شوری / شاعری قدر تو داند که شعوری دارد»

واژه‌های «شعر، شاعر و شعور» از ریشه «ش، ع، ر» هستند.

**پاسخ تشریحی** در بیت دوم، «دیگر» ایهام تناسب دارد، چون در معنای «پس از آن» قابل قبول است و در معنای «نماز عصر» با «نماز» تناسب دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

در ۱) «لاله» و «ژاله» جناس ناقص اختلافی دارند و «لاله‌ها»، «پیاله‌ها» و «ژاله‌ها» واژه‌های سجع‌اند، چون در پایان سه قسمت از چهار قسمت

بیت آمده‌اند: «—×— ×—×—»

در ۲) هر واژه مصراع اول، با واژه متناظرش در مصراع دوم سجع متوازی دارد:

خرد	زنده	جاودانی	شناس
↑↓	↑↓	↑↓	↑↓
خرد	مایه	شادمانی	شناس

بنابراین آرایه ترصیع شکل گرفته است. واژه «خرد» نیز تکرار شده است.

در ۴) «می» به «لعل» تشبیه شده است و واژه‌های «صوفی»، «صافی» و «صفا» هم‌ریشه (از ریشه «ص، ف، و» هستند)؛ بنابراین اشتقاق دارند.

**تکنیک** در هر بیت، سعی کنید با آرایه‌ای که برایتان ساده‌تر است، شروع کنید و ردّ گزینه کنید تا به جواب برسید.



«دامن‌کشان» کنایه از با غرور و خرامان راه رفتن است. «سرو»، استعاره از معشوق و «خاک پای او گشتیم» نیز تشبیه و کنایه دارد.

#### تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: نصیحت مردم مانند قصه‌ای مکرر است و «گوش جان» اضافه استعاری است.

گزینۀ «۳»: «کاروان عجز» اضافه تشبیهی است و تشخیص بسیار برجسته است در مصراع دوم.

گزینۀ «۴»: «گل‌اندام» تشبیه درون‌واژه‌ای است و اینکه «می، شوق دارد» تشخیص و استعاره است.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان، ترکیبی)

بیت «د»، فاقد آرایه استعاره است.

#### تشریح سایر ابیات:

بیت «الف»: جناس تام: «دیده» در مصراع اول: چشم، «دیده» در مصراع دوم: دیده است.

بیت «ب»: واج‌آرایی: در مصراع اول، واج‌آرایی مصوت «ب» مشهود است: سرّ قلم قدرت بی چون الهی

بیت «ج»: مجاز: «سنگ» در مصراع دوم مجاز از کوه بیستون

بیت «ه»: تشبیه: دو برداشت از این بیت می‌توان داشت: ۱- بلافاصله بعد از رفتن یار، به او نامه‌ای خالی از متن می‌نویسم که معشوقم بداند من از هجران او [و گریه زیاد]، کور شده‌ام و توانایی نوشتن ندارم.

۲- بلافاصله بعد از رفتن یار، به او نامه‌ای خالی از متن (نامه‌ای که متن درونش نباشد، سفید است). می‌فرستم که معشوقم بداند همانند این نامه سفید، چشم من هم سفید شده‌است (یعنی نامه سفید را، به‌نشانه چشم سفید خودم برایش می‌فرستم).

در معنای دوم، تشبیه مضمّر داریم: «دیده سفید» و «نامه نوشته» با وجه‌شبه «سفیدی»، به‌صورت پنهان به‌هم مانند شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بریع، ترکیبی)

**۶۶- گزینه ۱»** (علیرضا علویان)

تشبیه در بیت ج: «تیر نگاه» اضافه تشبیهی است. استعاره در بیت الف: «گنج شاهوار» استعاره مصرحه از اشک. جناس در بیت ب: «گره» و «زره» جناس ناقص اختلافی است. سجع در بیت د: آخرین و یقین قافیۀ درونی است که در حکم سجع به شمار می‌رود. بیت د جناس ندارد (رد گزینه ۲)، بیت ج استعاره ندارد (رد گزینه‌های ۳ و ۴).

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بریع و بیان، ترکیبی)

**۶۷- گزینه ۱»** (سیدعلیرضا اهرری)

جناس: بر و در

کنایه: در کسی را زدن: کمک خواستن

استعاره مصرحه: «خسرو خاور»: خورشید

استعاره مکنیه: علم بر زدن خورشید

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

پس از شهادت حضرت علی علیه السلام در ۲۱ رمضان سال ۴۰ ق، معاویه در شام خود را خلیفه خواند و از مردم آنجا بیعت گرفت. امام حسن علیه السلام نخست با ارسال نامه‌هایی به معاویه، او را از طغیانگری و تلاش برای جنگ و خون‌ریزی برحذر داشت، اما معاویه بدون توجه به نصایح آن حضرت به عراق لشکرکشی کرد و امام حسن علیه السلام به منظور مقابله با او، همراه سپاهی که فرماندهی آن را قیس بن سعد بن عباده انصاری به عهده داشت از کوفه خارج شد. دسیسه‌های معاویه برای خریدن یا جدا کردن فرماندهان و بزرگان سپاه کوفه از آن حضرت، موجب ایجاد آشفتگی در سپاه ایشان شد و حتی امام حسن علیه السلام مورد سوء قصد یکی از سپاهیان خود قرار گرفت.

## ۶۹ - گزینه ۲»

(امیر هسین کاروین)

عثمان بن عفان روش متفاوتی را نسبت به خلفای پیش از خود در پیش گرفت. او حکم بن ابی‌العاص را که پیامبر به طائف تبعید کرده بود، به مدینه بازگرداند. او هم‌چنین شماری از افراد خاندان اموی را بر سر کار آورد و دست آنان را در اداره امور خلافت باز گذاشت. برخی از صحابه پیامبر، نسبت به رفتار منصوبان خلیفه انتقاد و اعتراض کردند. خلیفه که تحت تأثیر اطرافیان و مشاوران خود قرار داشت، انتقادکنندگان را تبعید نمود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۴۵)

## ۷۰ - گزینه ۲»

(جواد میربلوکی)

فتوحات مسلمانان در مصر، بیشتر نتیجه مقاومت نکردن مردم سرزمین مصر در برابر سپاه اسلام بود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۱)

## ۷۱ - گزینه ۳»

(امیر هسین کاروین)

عرب‌گرایی امویان و تحقیر و تبعیض‌هایی که نسبت به مسلمانان غیرعرب، به خصوص ایرانیان روا می‌داشتند، یکی از عواملی بود که زمینه گرایش آنان را به مخالفان خلافت بنی‌امیه به خصوص اهل بیت پیامبر (ص) فراهم آورد. به همین دلیل، موالی حضوری چشمگیر در قیام‌ها و شورش‌های ضداموی مانند قیام مختار، قیام زید فرزند امام سجاد (ع) و شورش عبد الرحمان بن اشعث داشتند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

شیعیان و پیروان حضرت علی (ع) که به علویان معروف بودند، به همراه موالی، مهم‌ترین گروه مخالفان حکومت اموی را تشکیل می‌دادند  
(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۹)

### تست و پاسخ ۷۲

چرا طلحه و زبیر، بیعت خود را با امام علی (ع) شکستند و پیامد سه جنگی که در زمان امامت آن حضرت بر جامعه اسلامی تحمیل شد، چه بود؟  
 (۱) برکناری آن‌ها و سایر بزرگان قریش از مناصب مهم حکومتی - انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه توسط امام علی (ع)  
 (۲) خون‌خواهی عثمان خلیفه سوم و حمایت کردن از معاویه پسر ابوسفیان - ایجاد و تداوم رقابت منطقه‌ای بین شام و عراق  
 (۳) تصمیم امام علی (ع) برای عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر - انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه توسط امام علی (ع)  
 (۴) مخالفت امام علی (ع) با تقاضای آن‌ها برای تصدی حکومت برخی شهرها - ایجاد و تداوم رقابت منطقه‌ای بین شام و عراق

### پاسخ: گزینه ۳

(تاریخ یازدهم - درس ۵ - خلافت امام علی (ع) و اوضاع اجتماعی دوران خلفای نخستین)

**مشاور:** بارها گفتیم و بار دیگر می‌گوییم که توی درس تاریخ، علت‌ها و پیامدها، خیلی خیلی مهم‌اند.

**توسنانه:** پس از عثمان، مردم در مدینه به اصرار از حضرت علی (ع) خواستند که خلافت را بپذیرد و با آن حضرت بیعت کردند. امام مصمم بود که مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) عمل نماید؛ از این‌رو، سران قریش و به‌ویژه اشراف بنی‌امیه که از بیعت با ایشان خودداری کرده بودند، به مخالفت و دشمنی برخاستند. از جمله، معاویه (پسر ابوسفیان) که توسط امام علی (ع) از حکومت شام برکنار شده بود، به بهانه خون‌خواهی عثمان، به سرکشی پرداخت.

**نکته:** نصیحت‌ها و کوشش‌های مسالمت‌آمیز امام علی (ع) برای بازداشتن مخالفان از سرکشی و جلوگیری از جنگ داخلی میان مسلمانان، به نتیجه نرسید و آن حضرت ناگزیر به دفع سرکشی‌ها و آشوبگری‌هایی شد که اشراف بنی‌امیه نقش مهمی در ایجاد آن داشتند. بدین منظور، امام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل نمود و در سه جنگ «جمل، صفین و نهروان» با دشمنان مقابله کرد.

**توسنانه:** معدودی از بزرگان قریش مانند طلحه و زبیر که ابتدا با حضرت علی (ع) بیعت کرده بودند، چون امام با تقاضایشان برای به دست گرفتن حکومت برخی شهرها و مناطق موافقت نکرد، بیعت خود را شکستند و به صف مخالفان پیوستند. امام علی (ع) در دوران حکومت خود تلاش کرد با عمل به تعالیم اسلام و سنت رسول خدا، برادری و یگانگی دینی را به امت اسلامی بازگرداند، اما کسانی که در زمان خلافت عثمان، سال‌ها به مال‌اندوزی و رفاه‌طلبی خو گرفته بودند، با اقدامات عدالت‌جویانه آن حضرت به مقابله برخاستند و سه جنگ را بر جامعه اسلامی تحمیل کردند. این جنگ‌ها تأثیرات اجتماعی نامطلوبی بر جا گذاشت و باعث به وجود آمدن رقابت منطقه‌ای بین عراق و شام شد که تا سال‌ها پس از آن ادامه داشت.

**پاسخ:** درسته که مخالفت امام علی (ع) با تقاضای طلحه و زبیر ناشی از تصمیم آن حضرت برای عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر بود، اما انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه، مقدم بر جنگ‌های صفین و نهروان بوده؛ بنابراین ۲ نمی‌تونه پاسخ درست باشه. خون‌خواهی عثمان هم بهانه معاویه (نه طلحه و زبیر) برای سرکشی علیه امام علی (ع) بود؛ پس ۳ هم درست نیست.

### تست و پاسخ ۷۳

سفر خلیفه دوم از مدینه به بیت‌المقدس (ایلیا)، گواهی بر کدام مدعاست؟

(۱) ساکنان شام برای رفع اختلافات خود با طبقه حکومتگر رومی، از مسلمانان درخواست کمک کردند.  
 (۲) برای فتح امپراتوری روم شرقی، مسلمانان به جلب همراهی و حمایت مسیحیان شام نیاز داشتند.  
 (۳) مسلمانان تمایل داشتند سرزمین‌ها و آبدی‌های مختلف را به روش‌های صلح‌آمیز فتح کنند.  
 (۴) مسلمانان می‌خواستند که تا درباره اختلافات مذهبی یا کلیسای قسطنطنیه صلح نمایند.

### پاسخ: گزینه ۳

(تاریخ یازدهم - درس ۵ - فتح شام)

**توسعه منطقه** منطقه شام هنگام حمله اعراب مسلمان، زیر سلطه امپراتوری روم شرقی قرار داشت. در آن زمان، تعدادی از قبیله‌های عرب در آن منطقه حضور داشتند. بسیاری از این اعراب و دیگر ساکنان بومی منطقه شام، پیرو آیین مسیحیت بودند، اما در برخی از مسائل مذهبی با کلیسای قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری روم شرقی اختلافات اساسی داشتند.

**نکته** اختلافات مذهبی و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی که میان توده‌های مردم شام با طبقه حکومتگر رومی وجود داشت، سبب شده بود که پایه‌های حاکمیت امپراتوری روم شرقی در این منطقه سست شود.

**توسعه منطقه** تمایل اعراب مسلمان به فتح صلح‌آمیز سرزمین‌ها و آبادی‌های مختلف از این نکته معلوم می‌شود که در جریان محاصره شهر بیت‌المقدس (ایلیا)، ساکنان مسیحی شهر اعلام کردند که فقط در حضور خلیفه مسلمانان، قرارداد صلح و تسلیم شهر را امضا می‌کنند. مسلمانان با بردباری این شرط را پذیرفتند و بدین منظور، خلیفه دوم از مدینه به بیت‌المقدس (ایلیا) رفت.

**نکته** درسته که شام تحت سیطره امپراتوری روم شرقی بود و اهالی شام با طبقه حکومتگر رومی اختلاف داشتن، اما این اختلاف فقط باعث شد در برابر حمله اعراب مقاومت چندانی نکنن، نه این‌که از مسلمانان کمک بخوان؛ پس **1** نمی‌تونه درست باشه.